

علوم اجتماعی

رشد آموزش

۹۰

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی



فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو-معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره بیست و پنجم | شماره ۲ | زمستان ۱۴۰۱ | ۴۸ صفحه | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
www.roshtdmag.ir



نسل‌های همراه با فناوری



معرفی فیلم



نام فیلم: وادیار

قالب: داستانی کوتاه

کارگردان: مرجان خسروی

مدت زمان: ۱۵ دقیقه

خلاصه

در یک منطقه کوهستانی پر از برف، نوجوانی به نام ساسان به جای پدر به سفر رفته‌اش، کارهای خانه را انجام می‌دهد. مادر ساسان باردار است و در حیات بی‌حصار خانه سرگرم انجام کارهاست. ناگهان ماده‌گرگی گرسنه به او حمله می‌کند. ساسان با شنیدن فریادهای مادر، تفنگ پدرش را برمی‌دارد و به کمک او می‌شتابد. با صدای شلیک گلوله گرگ فرار می‌کند و مادر زخمی و وحشت‌زده نجات می‌یابد. ساسان با تفنگ به جست‌وجوی ماده‌گرگ می‌رود تا او را شکار کند، اما ...

انتخاب شجاعانه قهرمان کوچک داستان وادیار، «هیئت داوران پنجاه و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد» را واداشت تا به یاد بزرگ‌مرد کوچک ایزده‌ای، شهید علی لندی، نشان بخش «ایثار و شجاعت» جشنواره را اهدا کنند به فیلم وادیار تا شاید بوسه‌ای باشد بر بال‌های آتش‌گرفته شهید علی لندی که در نخستین روز مهرماه ۱۴۰۰ ققنوس‌وار به آسمان‌ها پر کشید! روح همه قهرمانان و ایثارگران کم سن و سال این مرز و بوم شاد و راهشان پر رهرو باد.



نام فیلم: یک روز استثنایی / An Exceptionnal Day

قالب: داستانی کوتاه

کارگردان: سدریک اسپیناسو / فرانسه

مدت زمان: ۴ دقیقه



خلاصه

برای یک روز، پدری نقش خود را با دختر کوچکش عوض می‌کند. پدر کارهای دخترش را باید انجام دهد و دختر بچه کارهای پدرش را تقلید می‌کند. دختر برای پدرش صبحانه آماده می‌کند، او را به خرید می‌برد و ...

سدریک اسپیناسو، کم‌دین و کارگردان فرانسوی، با چاشنی طنزی که در فیلم کوتاه «یک روز استثنایی» همراه کرده است، به والدین هشدار می‌دهد که به شدت مراقب رفتار و گفتار خود در مقابل فرزندان باشند. در فیلم خیلی کوتاه اسپیناسو، پدر و دختر شش‌هفت‌ساله با هم قرار گذاشته‌اند که برای یک روز هم که شده نقش خود را به دیگری بدهند و به جای هم زندگی را تجربه کنند. در طول این روز به‌خصوص، دختر پدر را بیدار می‌کند، قهوه و صبحانه آماده می‌کند و در نمایش گوشه‌ای از مسئولیت‌های پدران‌های که پدرش هر روز ایفا می‌کند، تلنگرهایی را به او می‌زند. پدر هم باید در این روز به‌خصوص به جای دختر کوچکش زندگی کند. به حرف‌های دختر گوش فرا دهد، تکلیف‌های مدرسه‌اش را بنویسد و شب‌هنگام گوش به دهان دخترش بسپارد تا قصه وقت خواب را برایش تعریف کند.

فیلم خیلی کوتاه و بامزه «یک روز استثنایی» تلنگری است به پدر و مادرها تا به آن‌ها یادآوری کند، از نقش مهمی که در سرنوشت فرزندان خود دارند، غافل نشوند. همواره هم به یاد داشته باشند که فرزندان آینده تمام‌نمای رفتار و گفتار آنان در خانه و جامعه خواهند بود.



علوم اجتماعی

رشد آموزش

افصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای معلمان، دانشجو-معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
|دوره بیست و پنجم | شماره ۲ | زمستان ۱۴۰۱ | ۴۸ صفحه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

● مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی
● سردبیر: دکتر فریبرز بیات
● مدیر داخلی: مریم شهرآبادی
● هیئت تحریریه: دکتر شیرین احمدنیا،
دکتر مژده قربانعلی زاده، آرینا پیدقی،
دکتر حسین دهقان، دکتر وحید نقدی،
دکتر رحیم زایر کعبه، سید غلامرضا فلسفی،
غلامرضا حمیدزاده
● ویراستار: بهروز راستانی
● طراح گرافیک: جعفر وافی
● دبیر عکس: اعظم لاریجانی
● نشانی دفتر مجله: تهران،
ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰
● تلفن: ۰۲۱-۸۷۱۹۶۵۱۱
● صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
● نماینده: ۸۸۳۰۱۴۷۸
www.roshdmag.ir ● وبگاه:
● پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
ejtemaie@roshdmag.ir ● رایانامه:
● نشانی امور مشترکین: تهران،
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
● تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸



با پویش این رمزینه ما را
از نظرات ارزشمند خود
بهره مند کنید.



رمزینه اشتراک
مجلات رشد

سرمقاله

● نسل های همراه با فناوری / فریبرز بیات / ۲

برنامه درسی و آموزشی علوم اجتماعی

- تحول آموزشی را از کجا آغاز کنیم؟ / گفتار و گفت و شنودی با دکتر سرکارآرانی / محمد دشتی / ۴
- کاوشی پدیدارشناسانه در زمینه مشارکت اجتماعی معلمان / ستاره موسوی / ۱۰
- فضای مجازی و تشدید توطئه در آمریکا / سید غلامرضا فلسفی / ۱۶
- کارآمدی و تأثیر آموزش علوم اجتماعی / امین احمدی / ۲۴
- برگزیدگان الگوهای برتر تدریس درس علوم اجتماعی / دکتر مژده قربانعلی زاده / ۲۶

دانش نوین اجتماعی

- نقدهایی بر اندیشه های آنتونی گیدنز / فرزاد پرهوده / ۲۱
- تشخیص اخبار جعلی در رسانه های اجتماعی / سید غلامرضا فلسفی / ۳۶
- تخته سفید دیجیتالی برای اجرای بارش فکری / مصطفی سهرابلو / ۴۲

دانش اجتماعی بومی

- تغییرات هویتی دانش آموزان / بررسی آثار فضای مجازی و اینترنت / مجتبی رحمانی میمند و
رقیه غزایی گرگری / ۱۳
- بازماندگان از تحصیل / کرونا و کاهش کیفیت آموزش دانش آموزان / مهسا امیرحسینی / ۳۰
- نقش کلاس های موضوعی در بهبود کیفیت آموزش / بهروز انصاری / ۳۳
- راهکارهایی برای رشد هویت در نوجوانان / محدثه صفاریه / ۳۸
- بررسی و ارزیابی کتاب ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی / بهروز نوروزی / ۴۵

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله های ترجمه شده با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته با حروف نگاری شود. مقاله ها می توانند در قالب ورد و از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه ها) از متن استخراج و روی صفحه های جداگانه نوشته شوند. ● مقاله دارای عنوان اصلی، عنوان های فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

نس همراه با فناوری

فریبرز بیات

- فناوری‌های روز و فضای مجازی برایشان ابزار کار است. در نتیجه این احساس را ندارند که باید تابع جدیدترین و به‌روزترین دستگاه‌های فناوریانه باشند

- مطالعه کتاب و مجله در برنامه‌های کاربردی نظیر «فیدیبو»، «کتاب‌راه»، «طاقچه»، و ... برایشان راحت‌تر است. با وجود این، مطالعه کتاب به شکل کاغذی برای این نسل - نسل ایکس یا اکسل - حس «دریغ‌پنداشتی» (نوستالژیک) دارد و آن را دوست دارند.

- تماشای فیلم، نمایش (تئاتر)، موسیقی، و برنامه‌های فرهنگی در این نسل با یادگیری، علاقه‌مندی و اشتیاق فراوان توأم است. گاه تا بیش از یک فیلم را در طول روز می‌بینند یا به چندین موسیقی گوش می‌دهند.

- در مقایسه با نسل بی‌بی‌بومر، جابه‌جایی شغلی برایشان آسان است. جابه‌جایی شغلی نسل ایکس، نه از سر کسالت و کم‌تعهدی، بلکه به دلیل ناراضی‌تی از نوع کاری است که به آن‌ها حس رضایت نمی‌دهد.

- تمایل به «کارآفرینی» دارند و راه‌اندازی «شرکت‌های نوآفرین» (استارت‌آپ) و شرکت‌های دانش‌بنیان سودای آنان است. به سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها تمایل دارند، حتی اگر به شکست بینجامد. - عجله‌ای برای فرزنددارشدن ندارند. شاید زوج به‌خاطر علاقه‌های فرهنگی و هنری، و یا تفریحات و گردشگری، حاضر نیستند هزینه‌های زندگی را به کودک و نوزاد خود اختصاص دهند. در صورت تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، «تک‌فرزندی» برایشان یک هنجار است.

- با دوستانی مشابه خودشان زندگی می‌کنند: رفت‌وآمد دارند، به سفر می‌روند، و یا در دیدار با هم، به تماشای فیلم مورد علاقه‌شان می‌روند، و یا با هم در کنسرت‌های موسیقی شرکت می‌کنند. حتی جدا از موقعیت‌های تک‌نفره یا زوج، در موقعیت‌هایی چند خانواده با هم به تماشای برخی فیلم‌ها می‌نشینند.

- نفوذ فناوری در این گروه نتوانسته است آن‌ها را به ضدیت با ارزش‌های سنتی خانواده برانگیزد. برخی سنت‌ها را نمی‌پسندند و تمایلی نیز ندارند که آن‌ها را جار بزنند. ضرورتی نیز نمی‌بینند برای ارزش‌های سنتی که آن‌ها را نمی‌پسندند، وقت بگذارند تا دلایل آن را برای والدین خود، به‌ویژه برای بی‌بی‌بومرها و حتی نسل‌های جوان‌تر، شرح دهند.

- نسل بی‌بی‌بومر، گاه این گروه سنی (نسل ایکس) را در زمره «تنبل‌ها» قلمداد می‌کنند، در حالی که از اساس این گروه تنبل نبوده‌اند و نیستند. دلیلی نمی‌بینند که کاری را در زندگی انجام دهند که در زندگی آنان «بار ارزشی» و «معنی‌ارزشی» ندارد.

- هنگام خریدن هدیه، سیدی فیلم و موسیقی می‌خرند. خرید کتاب (کاغذی) و هدیه‌دادن آن به دوستان خودشان رفتاری شعف‌برانگیز است که «رضایت» و «خرسندی» را در زندگی به آن‌ها هدیه می‌دهد.

- این نسل برای برخی از چهره‌ها (سلبریتی‌ها) ارزش بسیار قائل است و آن‌ها را الگو و سرمشق ایدئال زندگی خود می‌داند.

فناوری‌های نوین را دیگر نمی‌توان تنها ابزار یا وسیله تسهیلگر دانست. فناوری در دنیای جدید به فرهنگ، زبان و بستری تبدیل شده است که زندگی در آن جریان دارد. زندگی ما از تولد تا مرگ با فناوری عجین شده است. کار و تجارت، تفریح و فراغت، آموزش و پژوهش، و حتی دوستی، عشق، تشکیل خانواده و ازدواج، در بستر فناوری‌های نوین شکل می‌گیرند. تأثیر فناوری بر ساختار اجتماعی و فرهنگی، کنش و رفتار گروه‌های متعدد اجتماعی را شکل داده است. بیراهه و گراف نیست اگر ادعا کنیم خالق فناوری اکنون مخلوق آن شده است و به تناسب دوره‌های تحول فناوری، ما شاهد خلق و تولد نسل‌های متفاوتی هستیم. فناوری‌ها گرایش‌ها و نگرش‌ها، نیازها و مطالبات، علاقه‌ها و اخلاق هر نسل را شکل می‌دهند.

این وضعیت آسیب‌های متعددی را دامن زده است. از جمله مقهور فناوری‌شدن و هضم‌شدن و دنباله‌روی از آن، به جای راهبری فناوری توسط افراد. حاصل آن می‌تواند به نوعی انسان‌زدایی و از خودبیگانگی باشد. از چنین منظر، نیم‌رخ اجتماعی و فرهنگی چهار نسل را در مواجهه با فناوری‌های نوین ارتباطی می‌توان به صورتی که در ادامه می‌آید، از هم تفکیک کرد:

* نسل «بی‌بی‌بومر» ها

- نسل «بی‌بی‌بومر» نسل دوره انفجار جمعیت، نسل دوره رونق و خلق کسب و کار است که در ایران به احتمال می‌توان آن را با کسانی مطابقت داد که از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و ملی‌شدن صنعت نفت خاطره دارند یا در حوادث قبل از انقلاب اسلامی مشارکت داشته‌اند.

- بی‌بی‌بومرها با فناوری نوین، دنیای مجازی، اینترنت، تلفن همراه و «برنامه‌های کاربردی» (اپلیکیشن‌ها) آشنا هستند، اما همچنان تأثیرپذیری زیادی از فناوری ندارند. «تلفن‌زدن» بیش از «پیام‌زدن» برای نسل بی‌بی‌بومر معنادار است.

- این نسل فعالیت‌های اینترنتی را به کندی شروع کرده‌اند. علاقه‌مندی به رسانه‌های اجتماعی را بیشتر از نوه‌ها، جوانان و نوجوانانی که فرزندان خودشان هستند، یا دانش‌آموزان و دانشجویانی که با آن‌ها سروکار دارند، و یا کارکنان و دستیارانی که نزد آن‌ها هستند، آموخته‌اند.

- «تلویزیون» حجم وسیع‌تری از «سرگرمی» را برای این نسل پدید آورده است. هنوز هم تلویزیون به‌عنوان دستگاه اطلاع‌رسان، مرکز اصلی اخبار برای این گروه سنی محسوب می‌شود.

- روزنامه و کتاب در قامت «کاغذی» هنوز هم معنای اصلی و پرکاربردی برایشان دارد و با «روزنت»‌ها و کتاب‌های الکترونیکی کمتر مأنوس هستند. اما برای فعالیت‌های ضروری، جست‌وجوهای علمی، سلامت جسمی و اطلاع از سرزمین‌های ناشناخته، از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. گرچه بیش از آنکه نقش فعالی در رسانه‌های اجتماعی داشته باشند، عمدتاً بهره‌بردار هستند.

* نسل ایکس (X)

- «نسل ایکس» یا «نسل اکسل» را در ایران به احتمال می‌توان با دهه شصتی‌ها مطابقت داد.

* نسل ایگرگ (Y)

نسل هزاره یا ایگرگ (Y) که به احتمال در ایران می توان آن ها را دهه هفتادی ها نامید، نسلی است که «پیوستگی» نقطه مرکزی زندگی اوست. از این رو، با اختلال در اینترنت، محدود شدن شبکه و رسانه های اجتماعی، به طرز انفجاری با خشم رفتار می کند.

- تلفن همراه را ترجیح می دهند، آن هم فقط برای پیامک و نه صحبت. دنیای این نسل کاملاً منحصر به پیامک است. پیامک جوهره اصلی زندگی آنان است. زبان مخصوص خود را در پیامک دارند.

- نسل هزاره عاشق گروه و از تفاوت های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مالی بیزار است.

- به محض اطلاع از موضوعی، بدون لحظه ای مکث، آن را با تمام هم سالان آشنا و بیشتر ناآشنایش، به اشتراک می گذارد.

- ویدئو، ویدئو، و ویدئو آن ها را برمی انگیزد. سایر وسیله های ارتباطی را، نظیر متن های «پی دی اف» که در قالب رایانامه (ایمیل) باشند، و دستورالعمل هایی را که در کالتماها (کاتالوگ ها) و دفترک ها (بروشورها) آمده اند، طرد می کنند.

- «به اشتراک گذاشتن اطلاعات»، آن هم در فضای مجازی، گپ (چت)، رسانه های اجتماعی و پیامک، برای این نسل امری حیاتی است. دوست دارند صدای خود را به دیگر هم نوعانشان برسانند و صدای آنان را نیز بشنوند. سهم عظیم نفوذ این صدای رسا مرهون فناوری های نوین است. - «وب نوشت ها» (وبلاگ ها) و «وب آواها» (پادکست ها) خوب اند، اما در جایگاه دوم و پس از ویدئو قرار دارند. این موضوع هشدار است برای نهادها، سازمان ها و شرکت هایی که تولید محتوای خوب ویدئویی دارند، اما آن را با امکانات تلفن همراه متناسب نساخته اند.

- نسل هزاره ای ها بیش از هر نسل دیگری در تاریخ، هر روزه به میزان چندصد پیام دریافت می کند و به آن عادت دارد. برای ارتباط برقرار کردن با این نسل سریع، باید مانند خودشان صحبت کنید. عبارتها را به گونه ای می نویسند که یک هزاره ای در کسری از ثانیه مفهوم آن را درک می کند. زبان گفتاری و زبان نوشتاری متعلق به خودشان را دارند.

- در کل، هزاره ای ها طرفدار ارتباطات رودرو نیستند. آن ها به پیام گذاشتن، پیامک زدن، و فضای مجازی عادت کرده اند. به ندرت سر خود را از تلفن همراه بالا می آورند. زبان دیجیتال زبان رسمی آن هاست.

- آزادکار (اینفلوئنسر) های واقعی و خیالی، ابرستاره ها (سوپرستارها)، ستارگان موسیقی و فیلم - جزو علاقه های نسل های بی بی بومر و نسل ایکس بودند. واژه آزادکار متعلق به نسل ایگرگ یا وای است. آزادکارها قاعدتاً در «تلویزیون»، «رسانه های جمعی» و «آگهی نماها» (بیلیوردها) نیستند. آن ها را باید در فضای مجازی و رسانه های اجتماعی جست و جو کنید؛ مثل مادر ترزا.

- هزاره ای ها قابلیت انجام چندین کار را به صورت هم زمان دارند. انجام چند کار در یک زمان برای زنان هزاره ای طبیعی است. یک روز فرد نسل هزاره ای را تصور کنید: در حالی که تماس تلفنی اش را روی بلندگو گذاشته است، موسیقی مورد علاقه اش را در پس زمینه پخش می کند، در اینترنت می چرخد، با بی حوصلگی شبکه اجتماعی اش را واری می کند و به برخی پاسخ می دهد، و رشته کلام را نیز در این بین از دست نمی دهد.

- نسل ایکس دوست دارد برای خودش کسب و کاری راه بیندازد و کارآفرین باشد. شرکتی نوآفرین یا دانش بنیان تأسیس کند. اما نسل ایگرگ یا هزاره به سرمایه گذاری تمایل دارد. دوست دارد پول را در «کاری» سرمایه گذاری کند که به سود و درآمد بیشتر بینجامد. قبلاً

بها بازار (بورس) برای افراد این نسل مزیت حیاتی داشت، ولی اکنون درآمدزایی از طریق سرمایه گذاری بیش از سایر کارها برایشان اهمیت دارد.

- دل مشغولی درباره محیط زیست، شاید نقطه مرکزی زندگی این نسل باشد. مدت ها بود که در ایران نیز موضوع های محیط زیستی به شدت مورد توجه بودند، ولی مسئولان به دلیل کم اطلاعی از علاقه ها و سلیقه نسل ایگرگ به آن کم توجه کردند. با بروز برخی موضوع ها که امنیتی و سیاسی تلقی شدند، مسئولان دولتی غافلگیر شدند که تا چه حد از موضوع های نسل هزاره کم اطلاع اند.

- هزاره ای ها در فناوری ذوب شده اند. از این رو، فناوری سبب شده است، گرایش به «اقتصاد محتوایی»، تمامی ارکان زندگی نسل هزاره ای ها را در بر بگیرد. در اقتصاد محتوایی، محصول ها و کالاها بدون حضور شخص فروشنده، خریداری و فروخته می شوند. مثال بارز آن در خارج از کشور «آمازون»، «وبو» و بسیاری از شرکت ها هستند و در ایران «دیجی کالا»، «سنپ» و «تپسی» را داریم.

- زنان نسل هزاره، برخلاف نسل های پیشین، به صورت فیزیکی قوی هستند. این زنان تفاوتی بین جنس زن و مرد قائل نیستند و خود را برای انجام هر کاری شایسته می بینند. از این رو، ورزش های رزمی را می پسندند. در مشاغل مانند راننده کامیون یا کارگر ساختمانی استخدام می شوند. در مواردی که کشورها اجازه می دهند، برای شغل هایی نظیر تعمیر خودرو و مکانیکی، به ویژه کامیون و جرثقیل، آماده اند. به موتورسواری، هم به لحاظ سرعت و هم به لحاظ قدرتی که برایشان می آورد، فراتر از علاقه مندی و به عنوان «کار» می نگرند تا به کمک آن قدرت خود را به مردان و به مدیران صاحب کار نشان دهند.

* نسل زد (Z)

- جهان نسل زد با رایانه، اینترنت، فضای مجازی، شبکه و رسانه های اجتماعی، و برنامه های کاربردی ساخته و پرداخته شده است.

- این نسل برای چهره ها و آزادکارها نیز ارزشی قائل نیست. به تبلیغاتی توجه می کند که داستانی واقعی دارند، یا شوخ طبعانه اند، و یا موسیقی فوق العاده ای دارند.

- نسل زد را نسل «بازی» (Game) یا نسل G نیز نامیده اند. بازی های ویدئویی خوراک آن هاست. پیشانه (کنسول) بازی، پلی استیشن، و ... نزد این گروه محبوبیت کم نظیری دارد. شرکت هایی که بتوانند «بازی های مسحور کننده» داشته باشند، تمام هوش و حواس نسل زد (Z) یا نسل G را ربوده اند. حاضرند هر پولی به دست می آورند، به پای «بازی» بریزند! - نسل بی بی بومر و نسل ایکس، به مرور، آهسته و پیوسته، گریزان و شتابان، می کوشند از نسل هزاره، نسل زد (Z) و پسازد (Z) که دهه هشتادی و دهه نودی هستند، بیاموزند. درست برعکس، نسل دهه هشتادی و دهه نودی کوچک ترین تمایلی ندارند که از نسل های قبلی بیاموزند. فناوری سبب شده است که نوجوانان و کودکان معلم بزرگ ترها شوند.

منابع

۱. ابراهیم آبادی، حسین (۱۴۰۰). فرهنگ و فناوری. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران.
۲. موران، ریچارد ای (۱۳۹۸). تلنگرهای طلایی برای نسل هزاره. ترجمه کیوان شعبانی و همکاران. بازاریابی. تهران.
۳. لوین، آرون (۱۳۹۸). بازاریابی اینفلوئنسری برای برندها. ترجمه محمدرضا حسن زاده جوانیان و همکاران. بازاریابی. تهران.

تحول آموزشی را از کجا آغاز کنیم؟

تحوّل

گفتار و گفت و شنودی
با دکتر محمدرضا سرکار آرانی،
استاد دانشگاه ناگويا

محمد دشتی

اشاره

دو جلد کتاب در تمنای یادگیری به مثابه چشمه‌ای جاری طی حدود ۱۰ سال گذشته، در جریانی مداوم و مستمر مطرح شده و موضوع بحث‌ها، گفت‌وگوها، نشست‌های کارشناسی، نقد و نظر و بهانه‌ای برای دوره‌های علمی و تخصصی در زمینه‌های مرتبط با موضوع کتاب بوده است. یکی از این نشست‌ها، با برنامه‌ریزی و دعوت «دانشکدهٔ مطالعات جهان» دانشگاه تهران برگزار شد. در نشست مزبور، دانشجویان، کارشناسان حوزهٔ تعلیم و تربیت و دیگر علاقه‌مندان گرد هم آمدند تا دربارهٔ کتاب‌های «در تمنای یادگیری»، با هم گفت‌وگو و تبادل نظر کنند. گزارش حاضر تلاشی برای انعکاس حرف‌های رد و بدل شده در این نشست است. اولین و مهم‌ترین پرسش در ژاپن از من این بود که: «مسئله‌ات را از کجا آورده‌ای و چیست؟» بنابراین، پاسخ به این پرسش از میزان توانایی مهارت‌های زبان بسیار مهم‌تر و

اساسی‌تر است. به خاطر داشته باشید، بدون مسئله هر جای دنیا که بروید، به مثابه پژوهشگر با مشکل مواجه می‌شوید. دانستن زبان مشکل نداشتن مسئله و دغدغهٔ پژوهشی را حل نمی‌کند. یک سوءتفاهم بزرگ هم در دنیا هست که در ایران عمیق‌تر از بقیهٔ جاهای دنیاست و خوب است کمی دربارهٔ آن صحبت کنیم. این موضوع که «دانستن زبان دوم، مثلاً زبان انگلیسی، مساوی است با بین‌المللی شدن» صحیح نیست. برخی از ایالت‌های این کشور بیش از ۱۰۰ زبان دارند و در تعدادی از ایالت‌ها بخشی از مردم جز با زبان محلی خود، با زبان دیگری نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند. انسان برای بین‌المللی اندیشیدن و بین‌المللی زیستن به چشم‌انداز بین‌المللی نیاز دارد. البته زبان به مثابه ابزاری فرهنگی به یاری می‌آید و لازم است. این هم یکی از موضوع‌هایی است که گاهی ما را دچار سوءتفاهم می‌کند.



● جایگاه آموزش عالی در بازار کار، صنعت و جامعه چیست؟

در کتاب مدیریت دانش تلاش کرده‌ام، با مطالعه نقش آموزش عالی در دوره‌های گوناگون نوسازی جامعه ژاپن و ارتباط نظام آموزش عالی با بازار کار، با رویکردی فرهنگی و اجتماعی، موضوع اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، سیاست‌های توسعه منابع انسانی و ارتباط آن با ساختار صنعت و نحوه رقابت در بازار کار را تجزیه و تحلیل کنم و تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظام استخدام مادام‌العمر را بر فرایند انتخاب داوطلبان دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و جایگاه اجتماعی دانشگاه‌ها را نشان دهم. افزون بر آن، تجربه سازنده ژاپن در زمینه بین‌المللی شدن آموزش عالی و ارتباط اثربخش دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی با بازار کار بین‌المللی و مؤسسه‌های آموزش عالی جهانی را با تأکید بر مبانی فرهنگی و اجتماعی آن‌ها و با هدف بهره‌گیری مدیران،

سیاست‌گذاران و پژوهشگران بخش‌های متفاوت آموزش عالی، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی، خصوصی و بنگاه‌های اقتصادی ایران در این کتاب معرفی شده‌اند.

در مقاله ارتباط آموزش عالی و بازار کار در ژاپن هم به طور مفصل توضیح داده‌ام که نظام انتخاب رشته و دانشگاه در تعامل با نظام استخدام مادام‌العمر، به طور سنتی در ژاپن چگونه کار می‌کند. اکنون لازم است توضیح بدهم که نظام استخدام مادام‌العمر در دوره‌های اخیر، به خصوص دوران اقتصادی پسا صنعتی چگونه بوده است. و دیگر اینکه خط‌مشی و سیاست‌گذاری برنامه‌های درسی دانشگاه و پذیرش دانشجو و صلاحیت‌های فارغ التحصیلی چگونه طراحی و بهسازی می‌شود و در مسیر تحولات جامعه و صنعت، آموزش عالی خودش را با نیازهای تازه چگونه تطبیق می‌دهد.

اجمالاً اگر بخواهم هر سه موضوع را در یک جمله پاسخ دهم این است: «ما می‌گوییم فرزندان را به دانشگاه الف بفرست،

در ژاپن خیلی زیاد نیست، در صورتی که در اروپا و آمریکا تغییر شغل امری پسندیده تلقی می‌شود. به هر صورت، تا از یک جامعه نقشه فرهنگی - اجتماعی در دست نداشته باشید، بهتر است در توصیف داده‌ها و موقعیت‌ها در آن احتیاط کنید؛ چه برسد که بخواهید آن را تبیین هم بکنید! «الجلیل مایصف و لایعرف!»

مسئله ما و دیگران در آموزش عالی و صنعت چیست؟

در یک کلام بحث موانع فکری و فرهنگی است. از آقای کونوسوکه ماتسوشیتا پرسیدند: «شما چگونه از دوچرخه‌سازی و باتری‌سازی به اینجا رسیدید؟» او گفت: «ما به بدیهیات عمل می‌کنیم!»

اما در مقابل شما در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که عمل به بدیهیات به تدریج به یک عمل غیرمتعارف تبدیل شده است. برای تغییر باید مبنای فکری و فرهنگی جامعه بازبینی شوند. برای این مهم به رویکردها و نگرش‌های اثربخش‌تری نیاز داریم. وقتی آقای آدام اسمیت در بحث عوامل توسعه از «لند» به معنی «سرزمین» حرف می‌زد، احتمالاً مقصودش سرزمینی با خاصیت‌های سرزمین‌های از اسکاتلند تا استانبول بوده است. حالا اگر شما بیایید و از کهریزک تا سیرجان و جاسک را طی کنید، این لند چه نسبتی با توسعه دارد؟! پهناوری این لند بی‌آب و علف، شاید برای شعرهای کتاب درسی، «سرزمین پهناور...» لازم باشد، ولی از توسعه دستگیری نمی‌کند!

بحث نیروی انسانی در شاخص‌های توسعه هم از این جنس است. اینکه این شهر چه تعداد نیروی انسانی طراز توسعه دارد، به معنی تعداد فارغ‌التحصیلان یا افراد دارای رزومه بدون مسئله یا دغدغه نیست. این نمونه‌ای از فرایندی است که نشان می‌دهد، چگونه بزرگ‌های اجتماعی یا سیاسی ما

را به تهی‌ساختن نهادهای مدنی و مدرن از مفهوم‌ها، معناها، کارکردها و سازوکارهای سازنده واداشته است.

سؤال اساسی این است که مسئله و دغدغه فرد چیست و قلبش برای چه می‌تپد؟ چه امری برایش جالب است؟ صبح برای چه هدفی از خواب بیدار می‌شود و این بیداری چه چیزی را در او بیدارتر می‌کند؟ این نگاه اگر عوض نشود، چیزی تغییر نخواهد کرد. بیهوده است که بپرسیم: «کی سفره آزادی،

چون شرکت «تویوتا» بیشترین نیروی کار خودش را از آن دانشگاه می‌گیرد. شرکت تویوتا بین‌المللی است، پس از ورشکستگی و آسیب‌های اقتصادی در بحران ایمن است و شغل و موقعیت کارکنان آن تضمین شده است. این کاملاً با نگاه ما متفاوت است. چون تحصیلات بیشترین نیروی کار اقتصاد ما در حد پایان دوره اول متوسطه است، ولی شما مدام در کار دفاع از پایان‌نامه‌های دکترا و فوق‌لیسانس هستید. یعنی شما سرمایه عمومی کشور را می‌گیرید و فقط تورم لیسانس و بالاتر ایجاد می‌کنید. این افراد می‌توانند با داشتن همان مدرک پایان متوسطه خیلی کارها را با علاقه و انگیزه انجام دهند. اما وقتی مدرک فوق لیسانس به دستشان دادیم و همان خواسته‌های قبلی را از آن‌ها داشتیم، تناقض ایجاد می‌شود و کار پیش نمی‌رود.

نکته دیگر اینکه وقتی ما استادان پنج روز به پایان سال تحصیلی مانده است، به هم می‌رسیم، از هم می‌پرسیم: «چه‌ها چه شدند؟» یعنی آیا همه آن‌ها در بازار اشتغال جایگزین شده‌اند! اما سؤال ما در ایران این است که: «آیا از پایان‌نامه چه‌ها، مقاله‌های چیزی بیرون می‌آید؟» این نگاه‌ها و انگاره‌ها اساساً به نقش آموزش عالی و اینکه شما برای چه چیزی دانشگاه می‌خواهید، برمی‌گردد؛ اینکه «حیات خلوت نخبگان» می‌خواهید یا «فهم و حل مسئله اجتماع». تعلیم و تربیت



دانشگاه نیز مبتنی بر تربیت نیروی کار و نیروی انسانی و تعامل با جامعه و صنعت است که با پرسش چرا یا چگونگی یا چیستی متفاوت است.

همه مواردی که گفتیم با ثبات در شغل، نظام استخدام مادام‌العمر و میزان تحرک شغلی در میان تحصیل‌کردگان نیز ارتباط دارد و از ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خودش برخوردار است. نرخ تغییر شغل استخدام‌شدگان تحصیل‌کرده



فهم، برخورداری، آرامش و ثبات اقتصادی را پهن می‌کنند؟» بدون رنج یادگیری و اندیشه و عمل تربیتی، این همه سرابی بیش نیست. با کشت دیمی دانه‌های بید در میان شن‌های روان فکری و فرهنگی، تمهید یا دیدن خواب رفتن به پیکنیک و نشستن زیر این درختان بید، آن هم به امید اینکه بیدها در میانه باران احتمالی و تصادفی رشد خواهند کرد، سراب است!

ساختمان به درد بخور و مستحکم و با معماری قابل قبول برای آموزش مدرسه‌ای نداشتیم، ولی فکر و فرهنگ زنده و شاداب بود. به گفتمان مشروطیت و به‌ویژه شرح مذاکرات مجلس اول نگاهی دوباره بیندازید و با شرایط این روزهای ایران مقایسه کنید.

پس تحول و تفکر یک چیزی است، بزک کردن اجتماعی چیزی دیگر. یادمان باشد که بخش‌نامه‌ها و دستورهای اداری تحول ایجاد نمی‌کنند. اگر بر «گفت‌وگو» تأکید می‌شود، منظور این است که گفت‌وگو کنیم تا آرام‌آرام بتوانیم آینده‌گردانی کنیم، خود را در آینده آن دیگری ببینیم و به فهم مسئله‌هایمان یاری رسانیم. اساس این جلسه ما هم آینده‌گردانی است، چون محقق آینده‌گردانی می‌کند تا بتواند مسئله‌های خود را بشناسد و بهتر فهم کند. کار ما در علوم انسانی و اجتماعی یاری به فهم مسئله‌هایمان است.

حالا در همین آینده‌گردانی و جست‌وجو ممکن است ببینیم چه نقطه‌ای از بنیادهای آموزش عالی و آموزش عمومی کشور، نقطه شروع تحولی است و آنجا برای پیشرفت و توسعه سرمایه‌گذاری بیشتری کنیم. این کاری است که نمی‌توان آن را تنها از وزیر آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش انتظار داشت. تک‌تک مادرانی که بچه‌های آن‌ها در مدرسه هستند، در چنین کار و فرایندی سهم و مشارکت دارند. کیفیت قصه‌های آن‌ها سرنوشت آموزش مدرسه‌ای را رقم می‌زند. این تغییرات هم کم‌کم پیدا می‌شوند؛ کما اینکه تغییرات در ایران هم شروع شده‌اند.

اما وقتی از رعایت «جزئیات» و «کیفیت» صحبت می‌شود، برخی می‌گویند: «کی می‌ره این همه راه رو!» این در حالی است که معنای کیفیت به زبان ژاپنی یعنی «پرداختن به جزئیات تا جای ممکن». همین است که بوئینگ ۷۴۷ را چندین کشور با هم می‌سازند، اما برخی قطعات ظریف و دقیق آن فقط در ژاپن ساخته می‌شود. از اینجا می‌فهمیم که نمی‌شود گفت: کی می‌ره

چشم‌ها را باید شست. با چشم‌های شسته، و رنج یادگیری و بهسازی انگاره‌ها، دیگر مادر دانش‌آموز به مدرسه نخواهد آمد که بگوید: نمره ریاضی بچه من چند است؟ به جای آن می‌پرسد: او احتمالاً چه می‌تواند بشود؟ و برای رسیدن به پاسخ به مدرسه می‌آید تا با اولیای دیگر و دانش‌آموزان در کلاس درس فرزندش بنشیند و او را مشاهده کند. با معلمش درباره او در خانه گفت‌وگو کند و از معلمش درباره وضعیت فرزندش در مدرسه بپرسد تا آرام‌آرام مشخص بشود که فرزند او چه می‌تواند بشود. چون در حقیقت همین «شدن» کار تعلیم و تربیت و آموزش مدرسه‌ای است.

تغییر نگاه به توسعه و سیاست‌گذاری آموزشی

بحث دیگر تغییر سیاست‌گذاری‌ها و نگاه‌ها به توسعه است. اینجا صرفاً انگاره‌های جهان فیزیک نیوتنی کار نمی‌کند که بگوییم فلان مهره را حرکت می‌دهیم و همه چیز با هم تغییر می‌کند؛ این گونه نیست. انگاره‌های فیزیک کوانتم بیشتر در توصیف امر جلیلی مانند توسعه گویاست. آن جهان فکری که یک لوکوموتیو داشت و همه را با خودش می‌کشید و می‌رفت تا رشد دهد و به سرمزل بهره‌وری و توسعه برساند، جایی است که ما ایستاده‌ایم! جهان شکل دیگری پیدا کرده است. اساساً آن ایده پیشرفت و توسعه خود در بوتۀ نقد قرار دارد. جهان امروز، جهان کوانتوم است. هر ذره، هر آن، هر انسان و هر وجودی یک فرصت برای رشد و توسعه است.

ما از جمله جوامعی هستیم که مقدمات را خوب بجا می‌آوریم، اینکه زمین غصبی نباشد، وضو درست بگیریم، آب پاک باشد و هوا طیب! تا نماز درست بخوانیم و مانند این‌ها. اما توجه نداریم که اگر نسبت به قبله کج ایستاده باشیم، همه این مقدمات باطل است و باید از نو شروع کنیم.

از نگاه من ما به فناوری تشخیص قبله نیاز داریم. ما ۱۱۰ سال پیش در این کشور، انقلاب مشروطیت داشتیم. چهار تا



این همه راه رو! چون راه دیگری نیست: یا از کوه بالا می‌روی یا تونل می‌کنی! به خاطر داشته باشید که کوه در مقابل شما ایستاده است! متوجه باشید که ترسیم درست مسئله به معنی ساده کردن آن نیست، چون ساده کردن زیاد یعنی خالی کردن مفهوم از معنای واقعی و دقیق آن.

بهسازی آموزشی، با کدام نقشه و چشم انداز؟

گاهی گفته می‌شود که ساختار آموزش و پرورش هم در ایران و هم در ژاپن، متمرکز است. اما واقعیت این است که این تمرکز و آن تمرکز خیلی با هم تفاوت دارند. یا اینکه هر دو کشور هم‌زمان راه مدرن شدن را در پیش گرفتند. این هم که ژاپن چگونه بهسازی می‌کند و چه پیامی برای ایران دارد، واقعیت این است که آن‌ها قانون اساسی آموزش را به راحتی عوض نمی‌کنند. هر ۱۰ سال یک بار در برنامه‌های درسی بازنگری می‌کنند. در نتیجه کتاب‌های درسی هم هر ۱۰ سال یک بار عوض می‌شوند. تغییر هم از بالا، و به اصطلاح ایرانی، از ستاد شروع نمی‌شود، بلکه از پایین و سطوح اجرایی شروع می‌شود؛ از صدای مادران، درخواست معلمان و نجوای دانش‌آموزان. پرسش‌ها در کتاب‌های درسی هم بیشتر از چگونگی است.

از کجا آغاز کنیم؟

تغییر و تحول نظام آموزشی را از کجا آغاز کنیم؟ پاسخ کوتاه و روشن است: تغییر را از من، من سرکار آرائی شروع کنیم.

همگی تغییر را از خودمان آغاز کنیم تا به نتیجه برسد. از شنیدن حرف‌های بچه‌هایمان، از اندیشه درباره راه‌طی شده، از بازسازی قصه‌هایی که زیر گوش بچه‌هایمان گفته‌ایم! ما همه موضوع‌ها را به صورت نوعی مناسک مطرح می‌کنیم و رد می‌شویم و اگر هم اعتراض و صحبتی پیش بیاید، می‌گوییم: ای بابا! خیلی سخت بگیر. و پایان ماجرا همین می‌شود که هست. وقتی هم صحبت از تغییر و اراده تغییر می‌کنیم، می‌شنویم که: «امیدواریم ... روزی باید که تغییر صورت گیرد و ...» چنین جمله‌هایی را خیلی به کار می‌بریم. نه آقا! بد متوجه شده‌ایم! تا درست عمل نکنیم و کیفیت مبنا نباشد، هیچ وقت روزی نخواهد آمد. اگر بازاندیشی در کار نباشد، فردا هم مانند امروز است!

و سخن آخر من این است که اگر نمی‌توانیم مسئله مستحکمی طرح کنیم، حداقل می‌توانیم از مسئله‌هایمان رونمایی کنیم. اصلاً فلسفه علوم انسانی این است که به ما کمک کند مسئله‌هایمان را درست فهم کنیم. اساساً همه این گفت‌وگوها برای آن است که جهانی را که در آن نشسته‌ایم، بهتر بشناسیم



آن‌ها دقیق‌تر رونمایی کنیم و با کیفیت بهتری به حل آن‌ها بیندیشیم. بسیاری از راه‌حل‌های ما در دهه‌های گذشته، خود مسئله‌های تازه‌ای شدند! فرزندان می‌پرسند: چرا؟ در این چرایی‌ها بیندیشیم و به سبکی مسئله حل کنیم - یعنی زندگی کنیم - که راه‌حل‌های ما، خود عین مسئله فردا نباشند! زندگی با طرح مسئله‌ای تازه و رفتن و یافتن پاسخ کیفی آن آغاز می‌شود. مراقب باشیم راه‌حل‌ها خود مسئله نشوند یا نباشند! سپس از توجه و حسن مشارکت و پرسش‌های سازنده شما، دل و دیده‌تان روشن!

بی‌نوشت

۱. کونوسوکه ماتسوشیتا کارآفرین و بازرگان اهل ژاپن که در سال ۱۹۱۸ شرکت صنایع الکترونیکی ماتسوشیتا را بنیان گذاشت.

و در آینه دیگری ارزیابی کنیم. البته اگر جهان فکری - فرهنگی ما عوض شود، مناسبات بیرونی هم شکل دیگری پیدا می‌کنند و ذهن و هنر و گوهر وجودی ما کیفیت دیگری می‌شود. گاهی خیلی غصه می‌خورم که چرا نایبنا شده‌ایم و قدر داشته‌هایمان را نمی‌دانیم. گفتم که دیروز کسی به من ایراد گرفت که چرا فاصله شیراز، یزد و بعد تهران را با ماشین طی کرده‌ام. پاسخ این بود که این سرزمین را بوییدن لازم است. می‌خواستم این همه داشته‌ها را مشاهده باشم و با تمام وجود زیست و تجربه کنم. پویش فکری - فرهنگی برای واری داشته‌ها لازم است. زندگی اساساً یعنی حل مسئله! و کیفیت حل مسئله یعنی سبک زندگی، و زنده‌بودن هم یعنی مسئله داشتن. دیگران هم مسئله دارند، ولی کیفیت حل آن‌ها متفاوت است؛ زیرا سبک زندگی متفاوت دارند. دوباره به فرزندان‌تان در خانه و مدرسه نگاه کنید. آن‌ها به دنبال سبک تازه‌ای از زندگی هستند؛ یعنی کیفیت راه‌حل مسئله‌ها از نظر آن‌ها با شما متفاوت است. آن‌ها را بشنویم.

بیایید به کمک هم صورت مسئله‌ها را بهتر بفهمیم، از



کاوشی پدیدارشناسانه در زمینه

مشارکت اجتماعی معلمان



ستاره موسوی
دکترای علوم تربیتی فرهنگی

چکیده

است. بر این اساس ضرورت دارد مشارکت معلمان زن با توجه به مهارت‌های اساسی استخراج‌شده در این پژوهش مورد بازنگری قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال زنان، مشارکت اجتماعی بانوان، مهارت‌های مشارکت اجتماعی، عمل‌گرایی اجتماعی

بیان مسئله

کار در زندگی و پویایی انسان نقش بسزایی دارد. حتی می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از سرمایه انسانی جامعه، تأثیر مستقیمی در این پویایی و همچنین توسعه ملی دارند (فلد، ۲۰۰۴ و هوودن، ۲۰۰۹).

اشتغال زنان اهرم مؤثری در توسعه و مشارکت اجتماعی آن‌ها به شمار می‌رود. یکی از مشکلات اساسی فراروی زنان، با وجود افزایش سطح سواد و تحصیلات، ارتقای سطح مهارت‌ها

امروزه در بستر تغییرات اجتماعی، مشارکت زنان همپای مردان در عرصه علمی، به مثابه یک ابزار آموزشی قوی و مؤثر است که می‌تواند در جهت تعدیل رفتارهای انسانی و یادگیری مفاهیم و اصول اخلاقی، عاطفی و شناختی نقشی اساسی ایفا کند. هدف پژوهش حاضر تعیین مهارت‌های اساسی مشارکت بانوان در توسعه علمی است. این تحقیق به شکل کیفی با استفاده از «روش پدیدارشناسانه» صورت گرفته است. جامعه پژوهش شامل معلمان زن در سطح کشور بود و برای نمونه‌گیری نیز از روش هدفمند از نوع معیاری استفاده شد. با مصاحبه عمیق با ۱۳ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش، مصاحبه‌ها تا حد اشباع انجام شدند. سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که مهارت‌های اساسی مشارکت اجتماعی معلمان زن در توسعه علمی مستلزم یک سلسله مقوله‌ها در بخش‌های شناختی (۵ زیر مقوله)، عاطفی (۵ زیر مقوله) و رفتاری (۷ زیر مقوله)

یافته‌ها

این جدول مهارت‌های اساسی مشارکت اجتماعی معلمان زن را نشان می‌دهد.

مقوله‌های مرتبط با مهارت‌های مشارکت اجتماعی معلمان

شناختی	عاطفی	رفتاری (مهارتی)
سواد اطلاعاتی	خودکنترلی در ارائه عواطف	مهارت تفکر انتقادی
دانش و آگاهی فناورانه	درک زیبایی‌شناسی	مهارت‌های فراشناخت
مهارت تحلیلی	پرورش روحیه پژوهشگری و اکتشاف	خودراهبری
یادگیری خلاق	گرایش به کار گروهی	مسئولیت‌پذیری
مهارت حل مسئله	حرمت نفس جنسی	گوش‌دادن
		مهارت سواد فناورانه
		مهارت‌های ارتباطی

مهارت‌های آموزش سواد رسانه‌ای

مهارتی

عاطفی

شناختی

و تخصص‌هاست. علاوه بر روحیه باور نداشتن توانمندی‌ها و شایستگی‌های خود در برخی زنان، نابرابری فرصت‌های شغلی موجب دسترسی نداشتن آنان به سمت‌های مدیریتی، به‌ویژه در سطح کلان می‌شود. به‌طوری‌که در سرشماری سال ۱۳۷۵ تعداد شاغلان مرد بیش از هفت‌برابر شاغلان زن بوده است. با آنکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، لیکن سهم زنان در کل اشتغال کشور در سال اخیر کمتر از ۱۰ درصد بوده است (خداداد حسینی و بهاری‌فر، ۱۳۸۴). یکی از مهم‌ترین دلایلی که بسیاری از پژوهشگران برای مشارکت پایین‌تر زنان در امور اجتماعی، از جمله در فرایند توسعه ذکر می‌کنند، این است که در اصل دخترپچه‌ها از همان کودکی در خانواده‌ها و نیز در مدرسه‌ها به‌گونه‌ای پرورش می‌یابند که خود را دور از نقش‌های اجتماعی و سیاسی متصور می‌کنند (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۵). ناصری چهارمی و همکارانش (۱۳۹۴)، نوازی و یزدی (۱۳۸۹)، پورعزت و همکارانش (۱۳۸۶)، کلنک^۱ (۱۹۹۶)، آشا و کومار^۲ (۲۰۱۱)، راس اسمیت و هوپاتز^۳ (۲۰۱۰)، بیوبین^۴ (۲۰۱۰)، نیل و ازکانلی^۵ (۲۰۱۰) در این زمینه به تحقیقاتی پرداخته‌اند.

روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش کیفی پدیدارشناسی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل معلمان زن در سطح کشور بود. برای نمونه‌گیری از روش هدفمند با فن (تکنیک) معیاری استفاده شد. مصاحبه با ۱۳ نفر از معلمان زن تا حد اشباع صورت گرفت. پس از انتخاب افراد، داده‌ها از طریق ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. فرایند تحلیل داده‌ها در بخش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تحلیل قرار گرفت.

برای اطمینان از روایی صوری و محتوایی سؤال‌های مصاحبه، قبل از شروع کار این سؤال‌ها به چند نفر از استادان رشته علوم تربیتی داده شدند که مورد تأیید آن‌ها قرار گرفتند. برای تعیین اعتبار داده‌ها از راهبردهایی همچون بازبینی مصاحبه‌شوندگان و بازبینی پژوهشگران همکار استفاده شد. برای اطمینان از اینکه تفسیر داده‌ها نشان‌دهنده پدیده مورد مطالعه است، از روش پرسش از همکار و واری (چک) اعضا استفاده شد.

۱. بعد شناختی

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه، معلمان زن بر لزوم داشتن مهارت‌هایی از قبیل سواد رسانه‌ای، دانش و آگاهی فناورانه، مهارت تحلیلی، یادگیری خلاق و مهارت حل مسئله تأکید داشتند. در فرایند کدگذاری، این مهارت‌ها تحت عنوان «مهارت‌های شناختی» نام‌گذاری شدند.

۲. بعد عاطفی

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه، معلمان زن بر لزوم داشتن مهارت‌هایی از قبیل خودکنترلی، درک زیبایی‌شناسی، پرورش روحیه پژوهشگری و اکتشاف هنری، گرایش به کار گروهی، و حرمت نفس جنسی تأکید داشتند در فرایند کدگذاری این مهارت‌ها تحت عنوان «مهارت‌های عاطفی» نام‌گذاری شدند.

۳. بعد رفتاری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه، معلمان زن بر لزوم



پی‌نوشت‌ها

1. Klenke
2. Asha & Kumar
3. Ross-Smith & Huppatz
4. Beaubien
5. Neale, J., & Özkanli
6. International Society for Technology in Education

منابع

۱. پورعزت، علی‌اصغر؛ زهری، سپیده؛ یزدانی، حمیدرضا؛ فرجی، بهاره (۱۳۸۶). «بررسی چالش‌های مربوط به مدیریت زنان (تحقیقی پیرامون یک سازمان دولتی)». مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان). دوره اول. شماره ۳.
۲. خداداد حسینی، سیدحمید و بهاری‌فر، علی (۱۳۸۴). نقش آموزش عالی در کارآفرینی و اشتغال زنان. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت مدرس. تهران.
۳. کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۵). «نقش زن در توسعه کشورهای اسلامی». انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ناصری جهرمی، رضا؛ محمودی یگانه، الهام؛ رحمانی، هادی (۱۳۹۴). «بررسی موانع ارتقای مدیریتی زنان از دیدگاه مدیران زن دبیرستان‌های شهر شیراز». فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی. دوره ششم. شماره ۲۳.
۵. نوازی، بهرام و یزدی، آرام (۱۳۸۹). «چالش‌های مدیریتی زنان در ایران؛ مطالعه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی به‌عنوان یک سازمان دولتی». پژوهشنامه علوم سیاسی. دوره ششم. شماره ۱.
6. Asha Kaul & Jithesh Kumar K (2011). The Impact of Feminine Identity and Soft Influence Tactics on Leadership Style. *Indian Institute of Management Ahmedabad*, 1-34.
7. Beaubien, G. (2010). *Female Managers Earning Less than Male*. Counterparts Public Relations Tactics, 11(17), 2-8.
8. Hovden, J.(2009). Gender Political Consequences of male Dominance in Leadership Position in Norwegian sport. *Gender & Behaviour Journal*, 1(8), 31-33.
9. Neale, J., & Özkanli, O.(2010). Organizational barriers for women in senior management: a comparison of Turkish and New Zealand universities. *Gender and Education Journal*, 5(99), 567-562.
10. Ross-Smith, A., & Huppatz, K.(2010). *Management, Women and Gender Capital*. Gender Work and Organization, 5(17), 36-32.

داشتن مهارت‌هایی از قبیل مهارت تفکر انتقادی، مهارت‌های فراشناخت، خودراهبری، مسئولیت‌پذیری، گوش‌دادن، سواد فناورانه و مهارت‌های ارتباطی تأکید داشتند. در فرایند کدگذاری این مهارت‌ها تحت عنوان «مهارت‌های عاطفی» نام‌گذاری شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق نشان داد که معلمان زن به مهارت‌هایی در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری نیاز دارند تا مشارکت اجتماعی کارآمدی داشته باشند. برخی از استانداردهای سواد فناوری «انجمن بین‌المللی آموزش فناوری»^۶ (۲۰۰۷)، از جمله خلاقیت و نوآوری، ارتباطات و همکاری، حل مسئله و تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و اقدامات فناورانه، با نتایج تحقیق حاضر هم‌سو بودند و برخی نیز مانند تحقیق «تسلط بر اطلاعات و شهروند الکترونیک»، با نتایج تحقیق هم‌سو نبودند یا اینکه مدنظر مصاحبه‌کنندگان نبودند.

ادیب و همکارانش (۲۰۱۴) نیز به مؤلفه‌هایی چون شایستگی‌های فنی و غیرفنی، ماهیت و مفاهیم فناورانه و توانایی انتخاب و استفاده از فناوری در زمینه‌های متفاوت اشاره کرده‌اند که این موارد با مهارت‌های فناورانه تحقیق حاضر که شامل سواد اطلاعاتی، سواد فناوری و یادگیرنده مادام‌العمر می‌شود، هم‌سو است (ناصری جهرمی و همکاران، ۱۳۹۴). در کل معلم باید برای رشد اجتماعی خود، در عرصه‌های متفاوت حرفه‌ای، اجتماعی و ... مشارکت فعال داشته باشد و مشارکت فعال مستلزم آگاهی، نگرش و عواطف سازنده و مثبت و در نهایت عمل‌گرایی اجتماعی است.



تغییرات هویتی دانش‌آموزان

بررسی آثار فضای مجازی و اینترنت

مجتبی رحمانی میمند
کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

رقیه غزایی گرگری
کارشناس تاریخ و دبیر مطالعات اجتماعی
استان همدان

چکیده

مقاله حاضر با بهره‌گیری از تحقیقات پیشین درصدد آن بوده است که به بررسی تأثیرات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی و هویت دانش‌آموزان بپردازد. یافته‌های تحقیق گواه آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند هم تأثیرات منفی داشته باشند و هم تأثیرات مثبت. در این مقاله کوشیده‌ایم تغییرات هویتی دانش‌آموزان را که تحت تأثیر ارتباط با فضای مجازی، به‌طور ناخواسته بر اثر بحران کرونا تشدید شده است، بررسی کنیم. پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش مشاهده میدانی، تجربیات زیسته پژوهشگر که به‌عنوان معلم درگیر این کار بوده و همچنین استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق حاضر آن است که فضای مجازی می‌تواند عاملیت و استقلال دانش‌آموزان را افزایش دهد.

کلیدواژه‌ها: تغییرات هویت، تجربه زیسته، بازاندیشی، شبکه اجتماعی، عاملیت دانش‌آموزان

اهمیت موضوع و بیان مسئله

مفهوم هویت در سال‌های اخیر به‌شدت از فناوری اطلاعات و ارتباطات متأثر بوده و فضای مجازی نقشی پررنگ در شکل‌گیری یا تغییر هویت کاربران، به‌ویژه نوجوانان، داشته است. در عصر حاضر، این فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی و رسانه‌ها هستند که تصور ما را از واقعیت شکل

می‌بخشند. رسانه‌ها و فضایی که ایجاد می‌کنند، به کمک نظامی از نشانه‌های دیداری، نوشتاری و گفتاری، برداشت انسان را از واقعیت تحت تأثیر قرار می‌دهند. با پیدایش شبکه داده‌های جهانی اینترنت این شرایط پیچیده‌تر شده و زمان، مکان و هویت تعریفی تازه یافته‌اند. در واقع، مکان بی‌مکان است؛ جایی که انسان‌ها می‌توانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، قرارداد ببندند، گروه‌های خود را بسازند، پیامی بفرستند یا چیزی را معرفی کنند.

در این مکان مرزهای جغرافیایی هیچ معنا و مفهومی ندارند و به همین سبب دشواری‌ها و مشکلات منطقی زمان و مکان از میان برداشته شده‌اند. همه چیز در تحرک است و همواره این تحرک شتابی بیشتر می‌یابد. هویت سیال و متکثری که در چنین فضایی شکل می‌گیرد، فرد را از چارچوب معین و انعطاف‌ناپذیری که در جهان خارج دارد، جدا می‌کند و به او اجازه بروز بیشتر خود را می‌دهد. چنین فضایی که فرد را از قیدوبندها رها می‌کند و به او در فضایی بسیار بی‌مرزتر از جهان واقعی مجال فعالیت می‌دهد، می‌تواند هویت دینی و ملی را تحت الشعاع خود قرار دهد.

اکنون با شیوع گسترده ویروس کرونا، برحسب ضرورت آموزش‌های مجازی بر بستر اینترنت، جایگزین کلاس‌های حضوری شده‌اند و در این میان نقش شبکه‌های اجتماعی در آموزش‌های رسمی بسیار پررنگ شده است. فضای مجازی که تاکنون با وجود مزایای خود به‌عنوان تهدید در حوزه فرهنگ نوجوانان مطرح می‌شد، اکنون جزء مهمی از زندگی آنان شده است و زمان زیادی را در این فضا سپری می‌کنند. اگر فضای مجازی به‌عنوان یک فرصت مغتنم نگریسته شود، با داشتن



برنامه‌ای سودمند و کارآمد و با هدایت این فضا به سمت هدف‌های قصده، می‌توان از مزایای آن بهره جست.

مبانی و چارچوب نظری نظریه‌بازاندیشی‌گیدنز

یکی از مفاهیم بسیار مهم از نظر گیدنز، مفهوم «بازاندیشی» است که آن را ویژگی جامعه‌مدرن می‌داند. منظور وی از بازاندیشی، حساسیت و تأثیرپذیری بیشتر حوزه‌های فعالیت اجتماعی و تجدیدنظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها براساس اطلاعات یا دانش‌های نوین است. این بازاندیشی تابعی از تغییرات و جدایی زمان و فضا در دوره‌های تاریخی متفاوت و جوامع گوناگون است. از نظر گیدنز، سنت و مدرنیته همیشه در تضاد بوده‌اند. ویژگی نوگرایی (مدرنیته) نه اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه چیز است که البته خود بازاندیشی را نیز در بر می‌گیرد.

این بازاندیشی تحت تأثیر چهار عامل قرار می‌گیرد:

● نخست «قدرت» است. قدرت محقق دانش را در خدمت منافع گروهی قرار می‌دهد.

● دوم به نقش «ارزش‌ها» باز می‌گردد. ارزش‌ها مبتنی بر باورها و عقاید است نه علم و حساسگری. هر تغییری مبتنی بر بازاندیشی، تحت تأثیر ارزش‌ها قرار می‌گیرد.

● سوم «پیامدهای ناخواسته» است. بازاندیشی جهان مدرن امکان مسدودشدن پیامدهای ناخواسته را از بین می‌برد و هر زمان احتمال وقوع آن‌ها وجود دارد.

● چهارم «گردش دانش اجتماعی» است؛ دانشی که به گونه‌ای بازاندیشانه در شرایط بازتولید نظام به کار بسته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۴).

گیدنز بر این عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگرچه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده هم وجود دارند، اما به دلیل «بازبودن» زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثریابی، زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع» انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۰).



آشنایی با مخاطرات فضای مجازی برای نوجوانان

گیدنز بر نقش رسانه‌ها تأکید می‌کند و می‌گوید: «اگر در گذشته فرایندهای انتشار فرهنگی، طولانی، کند و ناپیوسته بودند، امروزه این فرایندها برعکس شده‌اند و انتشار فرهنگی سریع و پیوسته صورت می‌گیرد.» وی وسایل ارتباط جمعی مدرن فراملی را ابزار بسط و گسترش نوگرایی به تمام دنیا در نظر می‌گیرد که توانسته‌اند، با تسهیل و رواج روزافزون ارتباطات فردی و گروهی، گسترش اندیشه‌های نو و هنجارهای فراملی، و همچنین ارزش‌های گوناگون، از جمله لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی، نسبی‌گرایی و فردگرایی، افکار فضای جهانی را متحول کنند و مرزهای زمانی و مکانی را در عصر مدرن درنوردند. اما شکسته‌شدن این حصارهای زمانی و مکانی هویت، به‌خصوص هویت دینی را، در ابعاد فردی و جمعی به چالش کشیده است که می‌تواند باعث بازاندیشی در آن شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۵۶).

گیدنز هویت را چیزی می‌داند که فرد از آن آگاهی دارد و صرفاً در تداوم کنش‌هایش به او تفویض نشده است، بلکه به‌طور مداوم و روزمره باید آن را ایجاد کند. به اعتقاد وی: «هویت امروزین نوعی دستاورد بازتابی است. روایتی که برای هویت خویش در نظر می‌گیریم، الزاماً باید در ارتباط با تغییرات سریع زندگی اجتماعی (به مقیاس محلی و جهانی) شکل بگیرد، دگرگون شود و به‌طور بازتابی استحکام یابد.»

با توجه به نظرات بالا می‌توان گفت: «فناوری‌های نوین ارتباطی که باعث از بین رفتن فاصله زمان و مکان هستند و عامل تسهیل و رواج روزافزون ارتباطات فردی و گروهی و گسترش اندیشه‌های نو و هنجارهای فراملی و همچنین ارزش‌های گوناگون می‌شوند، سبب شده‌اند مردم در مناطق گوناگون از ارزش‌ها و هنجارهای رفتار سایر مناطق جهان آگاه شوند. این امر می‌تواند به دگرگونی و یا تقویت شیوه‌های زندگی، ارزش‌ها و هنجارها، و همچنین بازاندیشی در هویت بینجامد. بنابراین افراد هر چه بیشتر از فناوری‌های نوین ارتباطی استفاده کنند، به سبک‌های زندگی نمایش داده‌شده در فناوری‌های نوین ارتباطی تمایل بیشتری خواهند داشت، در مورد سنت‌ها و عوامل هویت‌ساز خود بیشتر تردید می‌کنند و آن‌ها را مورد بازاندیشی قرار می‌دهند.»

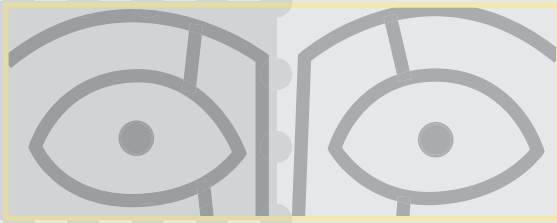
روش پژوهش

«خودمردم‌نگاری» رویکردی پژوهشی و نگارشی است که در پی توصیف و تحلیل نظام‌مند تجربه، به‌منظور فهم تجربه فرهنگی است. این تعریف از الگوی مفهومی سه‌بعدی الیس و بوچنر (۲۰۰۰) برای تشریح پیچیدگی و گوناگونی خودمردم‌نگاری برآمده است. چنگ (۲۰۰۸) عقیده دارد: «خودمردم‌نگاری باید در روش‌شناسی مردم‌نگارانه، از منظر تفسیر، فرهنگی و از لحاظ محتوا خودنوشت‌نامه باشد.»

دایسون (۲۰۰۷) می‌گوید: «من در گفتن روایت خود، یافته‌هایم را حقیقت علمی و تعمیم‌پذیر نمی‌دانم، بلکه آن‌ها بر ساخت خلاقانه تجربه زیسته من هستند.»







فضای مجازی و تشدید توطئه در آمریکا

چگونگی تشخیص و مقابله

سیدغلامرضا فلسفی
کارشناس سواد رسانه‌ای و سواد خبری

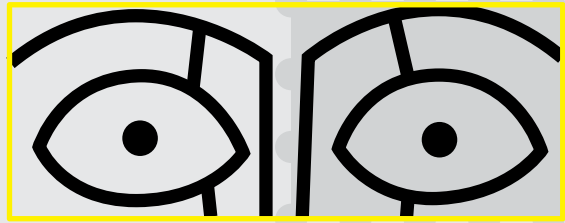
اشاره

این نوشتار ترجمه آزاد مقاله: Conspiracy Theories: How to Spot Them, and What You Need to Know نوشته سندی اوتیس (Cindy Otis)، نویسنده و کارشناس حوزه اطلاعات نادرست عمدی است که در ۲ ژوئن ۲۰۲۲ منتشر شد.

طراحی کرده بود، مرتکب شد. توهم توطئه تصویری است مبنی بر اینکه تلاشی پنهان، مانند یک نقشه مخفیانه یا یک گروه قدرتمند و دسیسه‌گر، مسئول رویداد یا ایجاد شرایطی خاص هستند. این باور به‌طور هم‌زمان روایت‌های ثابت، پذیرفته‌شده و واقع را در مورد وقایع و رخدادها رد می‌کند.^۵ برای مثال، معتقدان به توهم توطئه تصریح و تأکید می‌کنند که کرونا تلاشی در جهت مهار (کنترل) جمعیت جهان بوده است.^۶ همان‌طور که در کتاب^۷ توضیح داده‌ام، توهم توطئه همواره در طول قرن‌ها و عصرها وجود داشته و برای توجیه خشونت علیه گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده تاریخی، مانند رنگین‌پوستان و مهاجران، از آن‌ها استفاده شده است.

لازم به ذکر است که توطئه، رویدادی واقعی است و اتفاق می‌افتد؛ اما بین توطئه تأییدشده و توهم توطئه تفاوتی وجود دارد مبنی بر اینکه برای اثبات یک توطئه واقعی، شواهد و قرائن بین وجود دارد؛ مثلاً اسنادی که افشا می‌شوند و نقش عوامل الف، ب، پ و... را نشان می‌دهند. درحالی‌که توهم توطئه مبتنی بر رویدادهایی اثبات نشده و فاقد اسناد معتبر و مشروع است.^۸

روز ۱۴ می ۲۰۲۲، پسر سفیدپوست ۱۸ ساله‌ای به نام **پیتون گندرون**^۱ به محله «ایست‌ساید» شهر بوفالو در ایالت نیویورک رفت که عمده ساکنان آن را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند. او ۱۰ سیاه‌پوست را در یک فروشگاه مواد غذایی به ضرب گلوله کشت و سه نفر را مجروح کرد که یک‌تن از آن سه جراحت‌دیده نیز سیاه‌پوست بود.^۲ بر اساس یک سند ۱۸۰ صفحه‌ای برجای‌مانده از قاتل، وی به توهم توطئه^۳ «جایگزینی بزرگ» دچار شده بود و خود را فاشیست و سفیدپوست برتری‌طلب توصیف کرده بود. او متأثر از این دیدگاه برتری‌طلبانه سفیدپوستان، دارای مواضع افراطی شده بود و استدلال می‌کرد که آمریکایی‌های سفید در خطر جایگزینی با افراد رنگین‌پوست هستند. به همین سبب این جنایت را که با انگیزه نژادپرستانه از پیش



فضای مجازی و تشدید توطئه در آمریکا

چگونگی تشخیص و مقابله

به‌واقع همه ما زیر آوار سیل ویرانگر توطئه که بر بستر رسانه جاری است، در حال مدفون شدن هستیم^{۱۳}؛ بحرانی که هرگز در گذشته آن را به شکل فعلی به‌ویژه در سکوه‌های رسانه‌های اجتماعی، مانند «تیک‌تاک» و «اسنپ‌چت»، سکوه‌های اشتراک‌گذاری تصویر زنده مانند «توییچ»^{۱۴} و سکوه‌های ارتباطی مانند «دیسکورد»^{۱۵} تجربه نکرده بودیم. شاهد این مدعا نیز ویدئوهای تیک‌تاک با «هشتگ توطئه» است که به‌تنهایی بیش از ۱۰/۷ میلیارد بازدید داشته‌اند.

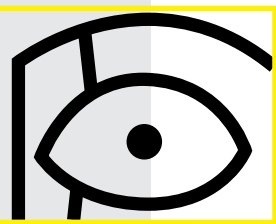
کیوانان یک جنبش دست راستی و نزدیک به ترامپ و افکار اوست که سعی در تشدید توطئه در رسانه‌ها دارد.

ممکن است به این فکر بیفتید که اگر با این قبیل توهّمات روبه‌رو شدید - دیدگاه‌هایی چون مسطح بودن کره زمین، به‌رغم آنکه قرن‌هاست علم بر آن خط بطلان کشیده - از کنار آن‌ها عبور می‌کنید که این مهم امری بسیار مبارک است و باید آن را به فال نیک گرفت. اما چنان‌که در جنایت ایست‌ساید بوفالو شاهد بودیم - که هنگام رخداد آن، قاتل فیلم حمله‌اش را از طریق توییچ به‌طور زنده و مستقیم پخش کرد و البته سکوی مذکور نیز در کمتر از دو دقیقه پخش آن را متوقف ساخت - توطئه‌های برخط می‌توانند پیامدهای خطرناک ناب‌رخط در پی داشته باشند. لذا در ادامه به چند



«جایی که یکی برود همه ما می‌رویم» (به اختصار WWG1WGA) یکی از محبوب‌ترین شعارهای کیوانان است.

چنان‌که گفته شد، توطئه در همه دوره‌ها وجود داشته است، اما تحقیقات نشان می‌دهند^{۱۶} که اعتقاد به این ایده در بزنگاه‌های بحرانی، مانند وقوع یک بیماری همه‌گیر جهانی، افزایش می‌یابد.^{۱۷} البته در عصر حاضر عامل تأثیرگذاری دیگر هم در افزایش گرایش به این توهّمات نقش آفرین بوده است: سیاست‌مداران، چهره‌های تأثیرگذار فضای مجازی و همچنین گروه‌های حامی و معتقد به توهّم توطئه از سراسر جهان، مانند «کیوانان»^{۱۸} که در فضای برخط رشد کرده‌اند، در سال‌های اخیر اعتقاد به این توهّمات را به سرخط اخبار رسانه‌های جریان اصلی تبدیل کرده‌اند.^{۱۹}



رنگین پوستان تلاشی سازمان‌دهی شده برای عملیاتی شدن این نسل‌کشی است.^{۱۸} مشابه این مواضع، توهم توطئه به باورمندان اجازه می‌دهد از قبول مسئولیت در قبال تصمیمات شخصی خود که ممکن است به پیامدهای منفی منجر شود، اجتناب کنند. همچنین سیاست‌مدارانی که از آن‌ها حمایت می‌کنند، به همین شیوه ممکن است در جهت تحقق منافع رأی‌دهندگانی که آنان را برگزیده‌اند، عمل نکنند، و یا نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از باورهای توطئه‌محور، حامیان چنین سیاست‌مدارانی را در مضیقه و تنگنای متفاوت قرار دهد.

گروه‌های مروج توطئه در فضای برخاسته، اغلب کاربرانی را که در زندگی دچار انزوا و تنهایی هستند، جذب می‌کنند. یک مطالعه منتشرشده در مارس ۲۰۱۷ گزارش می‌دهد که طردشدگی اجتماعی، باور به خرافه و اعتقاد به توطئه را تقویت می‌کند. در این تحقیق، به قلم آلین کومان، استاد روان‌شناسی «دانشگاه پرینستون»^{۱۹} آمده است: مردم مروجان و مؤمنان به توطئه را اشخاصی عجیب‌وغریب می‌پندارند، اما حتی صاحبان تحصیلات عالی در دانشگاه‌های معتبر نیز ممکن است در زمره پذیرندگان این دیدگاه‌ها باشند. لذا هر کس اگر در شرایطی مناسب قرار گیرد، امکان دارد به چنین باوری تعلق خاطری عمیق پیدا کند.^{۲۰}

مروجان توطئه در فضای برخاسته قربانیان فکری خود را به تعدادی از هم‌مسلمان خود می‌سپارند تا با آنان به گفت‌وگو بنشینند و باعث شوند قربانیان احساس کنند عضوی خاص از یک گروه و انجمن‌اند.^{۲۱} و به واسطه این عضویت به اطلاعاتی سری و منحصر به فرد دسترسی پیدا می‌کنند. لازم به ذکر است که این احساس در زمان بحران روحی یا انزوای اجتماعی می‌تواند پررنگ‌تر و قوی‌تر عمل کند. برای مثال در اکتبر ۲۰۱۷، کاربری با امضای «کیو» که ناشناس بود، مطالبی را به اتاق گفت‌وگوی «وبگاه فورچن»^{۲۲} ارسال کرد. وی مدعی شد که در ایالات متحده به اطلاعات طبقه‌بندی شده دسترسی دارد و بهره‌مندی از آن اطلاعات مستلزم داشتن اجازه کیو است که در سرویس‌های اطلاعاتی بیانگر رده امنیتی بالاست و وی نیز واجد آن است. مطالب ارسال شده توسط کیو غالباً زبانی رمزآلود داشتند و پر از شعار، وعده و موضوع‌هایی در حمایت از رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، بودند.

جنبش دست راستی کیوانان^{۲۳}، در زمان زمامداری ترامپ بر پایه این باور متوهمانه شکل گرفت که وی مخفیانه با نخبگان شیطان‌پرستی می‌جنگد که کودکان را آزار جنسی می‌دهند و در دولت، بازار و رسانه‌ها رخنه کرده‌اند. اعضای کیوانان مدعی شدند که تحقیقات **رابرت مولر**^{۲۴} درباره «راشاگیت» سرپوشی برای به حاشیه‌راندن تحقیق درباره آزار جنسی کودکان توسط دموکرات‌ها، مشهور به «پیتزاگیت» است. بنا به گزارش منتشرشده در فوریه ۲۰۲۲ توسط «مؤسسه تحقیقاتی دین عمومی»^{۲۵}، تا سال ۲۰۲۱ به‌طور تقریبی ۱۶ درصد از آمریکایی‌ها (از هر پنج آمریکایی یک نفر و از هر چهار جمهوری خواه یک نفر)، همچنان به توطئه کیوانان اعتقاد دارند، مبنی بر اینکه دولت آمریکا، رسانه و بازارهای

نکنه که به شناخت توطئه کمک و از گرفتارشدن در آن جلوگیری می‌کند، اشاره می‌کنیم.

آنچه باید درباره توطئه بدانیم:

چگونه توطئه مؤثر واقع می‌شود

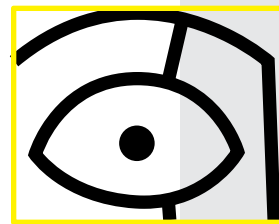
توطئه‌ها موضوع‌هایی هستند که برای اثباتشان از شواهد و اسناد در دسترس گمراه‌کننده و نامعتبر استفاده می‌شود. بخشی از این اسناد به منظور قبولاندن موضوع ساخته می‌شوند؛ به‌ویژه در رسانه‌های اجتماعی با استفاده از عکس، فیلم کوتاه، صوت و آمار یا حتی تولیداتی خارج از موضوع برای جذب و به دام انداختن بینندگان. برای مثال، دختری جوان در تیک‌تاک برای اثبات مسطح‌بودن زمین، با بهره‌مندی از یک تکه فیلم (کلیپ) صوتی و هم‌آورد و نقل‌قولی بی‌ربط با موضوع، همچنین نماگرفت‌هایی از یک پویانمایی، ۲/۲ میلیون بازدیدکننده را به فرستنده (پست) خود جلب کرد. لازم به ذکر است که ادله ارائه‌شده توسط این دختر و سایر باورمندان به توهم‌های توطئه مشابه، زیرکانه از میان بخش‌هایی از شواهد و براهین بسیاری از کارشناسانی برگزیده می‌شود که کلیت نظراتشان با اصل موضوع مورد ادعای توطئه‌باوران در تناقض است.

توطئه‌ها باورمندان بالقوه خود را برمی‌انگیزند که رویدادها و مسائل نامرتبط را به هم ربط دهند و بر این اساس شواهدشان را بیابند و تحقیقات خود را به استناد شواهد ساخته‌شده برای اثبات ادعایشان انجام دهند. عملکرد مؤمنان به توطئه همچون عملکرد کارآگاهان در یک پرونده جنایی است. ولی اگر این باورمندان بخواهند شواهدی دال بر تائید توهمات خود بیابند، به احتمال زیاد از رسانه‌های اجتماعی هم منتفع می‌شوند؛ آن‌هم به مدد «الگوریتم‌های»^{۱۶} رسانه‌های اجتماعی که محتوای مدنظر کاربران را فارغ از واقعی یا جعلی بودن، مطابق خواست و در جهت تأمین خواسته‌های آن‌ها ارائه می‌کنند.

مراقب ادعاهایی باشیم که به نظر می‌رسد فرار به جلو هستند یا به ایجاد خوف و خشم علیه گروهی خاص منجر می‌شوند

توطئه‌ها از روایت‌هایی بهره می‌برند که حاوی هشدارهایی خوفناک‌اند و مقصودشان برانگیزاندن ترس است. باورمندان به این توهم‌ها، ضمن جهد برای تبیین رخدادهای ناگوار در اقصا نقاط گیتی و انتقاد از آن، علت را به توطئه‌های شوم گروهی خاص از مردم، یک دولت یا چهره‌های مشهور منتسب و سپس به سرزنش آن مسببان مبادرت می‌کنند. برای مثال و همان‌طور که در مدخل این مقاله اشاره شد، یکی از توطئه‌هایی که جنایتکار ایست‌ساید به آن اعتقاد داشت، جایگزینی بزرگ نام دارد^{۱۷} که نام جنبشی جهانی است که به سرعت در اینترنت در حال رشد است.

این باور مدعی است سفیدپوستان از آنچه «نسل‌کشی سفید» خوانده می‌شود، آسیب می‌بینند و به‌دروغ ادعا می‌کند مهاجرت



مالی جهانی توسط کودکان آزاران شیطان پرست اداره می‌شود.^{۲۶} بلافاصله پس از مورد اقبال گرفتن این فرستنده‌ها (پست‌ها) در فضاهای گفت‌وگوی کمتر شناخته‌شده مجازی، این اکاذیب به آنی در سکوی رسانه‌های اجتماعی جریان اصلی، مانند فیس‌بوک، وبلاگ‌ها و تارنماهای سیاسی همچنین وب‌آواها (پادکست‌ها)، مورد توجه عامه قرار گرفتند و به سرعت باز نشر و داغ شدند. گفتنی است که رهایی از این دیدگاه‌ها برای افرادی که در ورطهٔ چنین توهماتی درمی‌غلطند، می‌تواند جان فرسا شود؛ چراکه وقتی عضو گروهی با اعتقادات خاص محسوب شویم، زمانی که اعضای گروه کاری انجام می‌دهند یا موضعی اتخاذ می‌کنند که با آن موافق نیستیم، موضع‌گیری خلاف آن، کنشی به‌غایت دشوار است.



حامیان توهم توطئه معتقدند تمام مشکلات جهان حاصل عملکرد گروهی از افراد پرنفوذ است که از نظرها غایب‌اند.

چگونه از نظریه‌های توطئه اجتناب کنیم

یاد بگیریم و مطمئن شویم که اطلاعات درست را از منابع معتبر دریافت کنیم و به اشتراک گذاریم

ما در روزهای اخیر، در حوزهٔ اخبار و اطلاعات، به‌طور فزاینده‌ای به دیگریانی چون چهره‌های تأثیرگذار فضای مجازی متکی شده‌ایم تا در جایگاه «دروازه‌بانان خبر»، حجمی عظیم از اخبار و اطلاعات را بپالایند و آنگاه به ما بگویند چه چیز حائز اهمیت و لایق دانسته‌شدن است. توطئه‌ها این باور را تقویت و ترویج می‌کنند که منابع اصلی و دیرین کسب اطلاعات و اخبار، مانند کارشناسان واقعی که در زمینهٔ فعالیت‌های حرفه‌ای خود تحصیل و کار کرده‌اند، یا رسانه‌های خبری معتبر که ابزار و افراد درستی‌سنج، خبرنگاران و گزارشگران خبره و سردبیران را برای اطمینان از صحت خبر به خدمت می‌گیرند، قابل اعتماد نیستند. چراکه در تلاش‌اند حقایق را از مردم مخفی بدارند.

حتی ممکن است با خواندن این سطرها برخی استدلال کنند که مقالهٔ حاضر که برای یاری‌رساندن به کاربران/مخاطبان برای پرهیز از غلبیدن در ورطهٔ پرمخافت توهم به زینت طبع آراسته‌شده، به‌واقع تلاشی است برای جلوگیری از یافتن چیزی که باورمندان به توطئه آن را حقیقت واقعی می‌پندارند. بنابراین یکی از راه‌هایی که مروجان توهم توطئه دنبال می‌کنند، این است که اعتماد کاربران/مخاطبان را به منابع معتبر از میان ببرند؛ بدان امید که در عوض، به آن‌ها ایمان آورده شود. کاهش تدریجی اعتماد به منابع معتبر، همراه با کمبود دانش در موضوع‌هایی

خاص، چون شیوهٔ عملکرد دولت یا مسائل مرتبط با حوزهٔ علم، به درهم تنیدگی مضاعف با توطئه انجامیده است.

برای مثال، اگر درکی درست از شیوهٔ رأی‌گیری پستی و غیر حضوری، نحوه و زمان شمارش آرا، و همچنین امنیت دستگاه‌های رأی‌گیری در آمریکا وجود نداشته باشد، ادعای دروغ بسیاری از داعیه‌داران توطئه طرفدار ترامپ، مبنی بر تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ و تغییر نتایج آن، جریان‌ساز می‌شود.^{۲۷} هنگام مواجهه با ادعاهایی توطئه‌آمیز، مانند تقلب در انتخابات یا همه‌گیری ویروس‌های بیماری‌زا، سعی کنیم هر چه بیشتر نسبت به سازوکار موضوع و چگونگی و ماهیت مسائل آگاهی یابیم. برای این کار از منابع آموزشی مربوط به «سواد رسانه‌ای دیجیتال»^{۲۸} که از طریق مدرسه، کتابخانه یا سازمان‌هایی که در حوزهٔ سواد خبری فعالیت می‌کنند^{۲۹} در دسترس ما هستند، استفاده کنیم. اگر دانش را از منابع معتبر گردآوری کنیم، می‌توانیم توطئه‌ها و افرادی را که سعی در اشاعهٔ آن‌ها دارند، شناسایی کنیم.

خود را از اینترنت دور نگه داریم و با تأنی در فضای مجازی تردد کنیم

مردم از آن رو ممکن است به توطئه وابسته شوند^{۳۰} که می‌پندارند در حال کشف حقیقت دربارهٔ توطئه‌هایی سری هستند. این احساس که بخشی از یک گروه در این خصوص باهم همکاری می‌کنند، می‌تواند به این وابستگی دامن بزند. برخط بودن مداوم، توانایی ما را در تفکر انتقادی کاهش می‌دهد. در نتیجه نمی‌توانیم دربارهٔ آنچه در قالب خوراک رسانه‌های اجتماعی دریافت می‌داریم، تحقیق و تردید کنیم؛ چراکه لحظه‌به‌لحظه غرق شدنمان را زیر اضافه‌بار اطلاعات شاهدیم. مطالعهٔ انجام‌شده توسط «مرکز تحقیقات پیو»^{۳۱} در سال ۲۰۲۰ بیان می‌کند: «آمریکایی‌هایی که اخبار را به‌طور معمول از رسانه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند، نه‌تنها در معرض اطلاعاتی گمراه‌کننده‌تر، مانند توهم‌های توطئه، قرار دارند، بلکه نسبت به افرادی که اخبار را از سایر منابع مانند انواع دیگر رسانه‌ها دریافت می‌کنند، از سطح دانشی نازل‌تری برخوردارند.»^{۳۲} پرهیز از مداومت در برخط ماندن، و همچنین پرهیز از شتاب و تعجیل در به اشتراک گذاری محتوا در رسانه‌های اجتماعی، امری مهم در پیشگیری از دچار شدن به بیماری صعب‌العلاج توطئه است.

برای مشاهدهٔ نشانه‌های افراط‌گرایی در دوستانمان به حرف‌هایشان گوش کنیم

گرچه ممکن است ما به بیماری توطئه مبتلا نشویم، اما محتمل است که دوستانمان دچار آن شوند. می‌توانیم طی گفت‌ووشنود با دوستان و مشاهدهٔ نشانه‌هایی از افراط‌گرایی در آنان، مثلاً واکنش‌های پرخاشگرانهٔ توأم با عصبانیت ناگهانی نسبت به گروه‌هایی مانند رنگین‌پوستان و مهاجران که در طول تاریخ

همواره در حاشیه بوده‌اند، به آنان کمک کنیم. به منظور این کمک‌رسانی باید چگونگی دریافت اطلاعات از منابع معتبر و آموخته‌هایمان را از توطئه با آن‌ها به اشتراک بگذاریم. زمانی که دوستانمان آرای خود را دربارهٔ اقلیت‌ها و دسته‌های به‌حاشیه رانده‌شده ابراز می‌کنند، اگر مطمئن هستیم خطری تهدیدمان نمی‌کند، ضمن پرهیز از تمسخر، دیدگاهشان را مستدل و با طرح سؤال‌های کلی که آن‌ها را به فکر کردن در مورد باورهایشان ترغیب می‌کند، به چالش بکشیم؛ چراکه تأثیر سؤال پرسیدن بسیار بیشتر از بیان نظرات قطعی است. در ادامه نیز آن‌ها را به تفکر انتقادی نسبت به موضوع مورد بحث دعوت کنیم.

«من خودم در موردش تحقیق کرده‌ام» جمله‌ای است که غالباً طی این گفت‌وگوها از زبان افرادی می‌شنویم که توطئه را باور دارند. مشکل اینجاست که تحقیقات آن‌ها به‌طور معمول به تماشای ویدئوهای حاشیه‌ای یوتیوب، دنبال کردن تصادفی افراد در «فیس‌بوک» و گزینش سازمان‌یافته شواهد و مدارک از حساب‌های توییتری طرف‌داران متعصب این نظرات محدود می‌شود. اما روح تردید حاکم بر فضای مجازی متأثر از توطئه، در واقع کلید آغاز افکار منطقی است. بسیاری از افراد که توطئه را باور دارند، خود را شک‌گرایی موفق و محققانی خودآموخته در زمینهٔ مسائل پیچیده می‌دانند. هدف این نیست که از میزان تردید یا کنجکاوی آن‌ها بکاهیم، بلکه می‌خواهیم چیزی را که نسبت به آن کنجکاو هستند، یا به آن شک دارند، تغییر دهیم. البته اگر امیدوارید که یک مکالمهٔ سازنده به‌سرعت به یک بینش و ادراک آنی ختم شود، سخت در اشتباه هستید. بیرون کشیدن افراد از عمق چاه توطئه فرایندی بسیار طولانی است.

جووان بافورد^{۳۳}، روان‌شناس و مدرس «اوپن یونیورسیتی»، در این باره می‌گوید: «توطئه فقط در مورد درست یا غلط بودن یک موضوع نیستند، بلکه در پس آن‌ها احساس دلخوری، نارضایتی و خشم نسبت به اوضاع جهان هم وجود دارد.» وی می‌افزاید که در مواجهه با این افراد نسبت به نتیجه‌ای که می‌توانید از روشنگری به دست آورید، واقع‌بین باشید. توهم توطئه به افرادی که به آن اعتقاد دارند، حس برتری القا می‌کند. این نظرات در افراد عزت‌نفسی بسیار بالا ایجاد می‌کنند و همین باعث می‌شود آن‌ها در برابر تغییر مقاومت کنند. توطئه‌ها به‌طور معمول داستان‌هایی ساده و تأثیرگذارند که مسائل جهان را توضیح می‌دهند. بپذیریم که واقعیت، پیچیده و غیرشفاف و پردازش آن برای ذهن ما دشوار است.

پی‌نوشت‌ها

1. Payton S. Gendron
2. www.nytimes.com/live/2022/05/14/nyregion/buffalo-shooting
3. Conspiracy theory
۴. ایدهٔ «جایگزینی بزرگ» که خواستگاه آن فرانسه است، در سال ۲۰۱۰ توسط یک نویسندهٔ راست افراطی فرانسوی به نام **رنو کامو** در کتابش با نام «Great»

Replacement» مطرح شد و از آن زمان سیاست‌مدارانی مانند **اریک زور** که نامزد سابق ریاست جمهوری فرانسه و دارای تفکرات راست افراطی است، از آن استفاده کرده‌اند.

۵. **سروناز تربتی** چنان‌که در مقدمهٔ کتاب خود با نام «تئوری توطئه» بیان کرده، معتقد است نگرش توطئه‌باور زمانی شکل می‌گیرد که دیدگاه‌ها و نظرها از واقعیت به خیال و از منطق و استدلال به پریشان‌گویی سوق داده می‌شوند.

6. www.teenvogue.com/story/most-popular-conspiracy-theories
7. www.amazon.com/True-False-Analysts-Guide-Spotting/dp/1250239494

8. https://media.shafaqna.com/news/538420

9. https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/1750698017701615

10. https://psychnews.psychiatryonline.org/doi/10.1176/appi.pn.2021.1.14

11. www.teenvogue.com/story/qanon-conspiracy-theories-social-media-teens

12. www.vox.com/23037390/alex-jones-sandy-hook-elizabeth-williamson-book

13. www.washingtonpost.com/politics/2022/05/18/buffalo-shooting-great-replacement-qanon

14. www.twitch.tv

15. https://discord.com

16. www.nytimes.com/interactive/2019/06/08/technology/youtube-radical.html?mtref=www.teenvogue.com&gwh=F399FDA85832B15EE669F3FFE3B96B4F&gwt=pay&assetType=PAYWALL

17. www.npr.org/2022/05/16/1099034094/what-is-the-great-replacement-theory

18. www.splcenter.org/hatewatch/2022/05/17/racist-great-replacement-conspiracy-theory-explained?gclid=CjwKCAjwryUBhBSEiwAGN5OCM2K7FWVcj12mi4DYjL7T8zh7laCrGCcBZf_GTD-FHTQPPpksm5EcBoCEKcQAvD_BwE

19. https://psych.princeton.edu/person/alain-coman

20. www.scientificamerican.com/article/conspiracy-theorists-may-really-just-be-lonely

21. www.vox.com/21558524/conspiracy-theories-2020-qanon-cov-id-conspiracies-why

۲۲. ۴chan وبگاه انگلیسی‌زبان برای اشتراک گذاری تصاویر

23. QAnon

۲۴. Robert Mueller سیاست‌مدار جمهوری خواه که ششمین مدیر اجرایی اف‌بی‌آی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ بود و در سال ۲۰۱۷ در مقام دادستان ویژه تحقیقات مداخلهٔ روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا (راشاگیت) منصوب شد.

۲۵. Public Religion Research Institute سازمان تحقیقاتی و آموزشی غیرانتفاعی، غیرحزبی آمریکایی که متخصص در مطالعهٔ کمی و کیفی موضوع‌های سیاسی به دلیل ارتباط آن‌ها با ارزش‌های دینی است.

26. www.prii.org/press-release/new-prii-report-reveals-nearly-one-in-five-americans-and-one-in-four-republicans-still-believe-in-qanon-conspiracy-theories

27. https://time.com/5902728/voter-fraud-2020-2

۲۸. Digital Media Literacy ویژگی‌های چندوجهی سواد رسانه‌ای را با قابلیت‌های فناورانه سواد دیجیتال ترکیب می‌کند. برای داشتن سواد رسانه‌ای دیجیتال، کاربر باید قادر به مصرف انتقادی و تولید خلاقانهٔ متن چندرسانه‌ای با استفاده از فناوری‌های دیجیتال باشد.

29. https://newsliit.org

30. www.theguardian.com/us-news/2019/may/02/why-we-are-addicted-to-conspiracy-theories

۳۱. Pew Research Center اندیشکدهٔ آمریکایی مستقر در واشینگتن دی. سی است که به ارائهٔ اطلاعات دربارهٔ مسائل، نگرش‌ها و روندهای شکل‌دهندهٔ ایالات متحده و جهان می‌پردازد.

32. www.pewtrusts.org/en/trust/archive/fall-2020/americans-who-get-news-mainly-on-social-media-are-less-knowledgeable-and-less-engaged

33. Jovan Byford



نقدهایی بر اندیشه‌های آنتونی گیدنز



فرزاد پرهوده

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

اشاره

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس بریتانیایی، از جمله چهره‌های مشهور جامعه‌شناسی است که آثار او در ردیف منابع کلاسیک جامعه‌شناسی مورد توجه است؛ با این تفاوت که او همچنان مشغول افزودن به منظومه فکری خویش است. نوشتار حاضر تلاش کرده است نقدهای وارده بر اندیشه‌های مهم آنتونی گیدنز از سوی صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان را مرور کند.

کلیدواژه‌ها: گیدنز، جامعه‌شناسی، ساختاربندی، جهانی‌شدن، نوگرایی (مدرنیته)، راه سوم

مقدمه

آنتونی گیدنز^۲ در سال ۱۹۳۸ در لندن به دنیا آمد. دکترای خود را در دانشگاه کمبریج به پایان رساند. در سال ۱۹۸۵ یکی از بنیان‌گذاران مطبوعات سیاسی، و یکی از ناشران بین‌المللی کتاب‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی بود. از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ او مدیر مدرسه اقتصاد لندن بوده و تا امروز به‌عنوان استاد در آنجا باقی مانده است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲). مهم‌ترین آثار گیدنز عبارت‌اند از:

- ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته (۱۹۷۳)
- قوانین جدید روش جامعه‌شناختی (۱۹۷۶)
- مطالعات در نظریه اجتماعی و سیاسی (۱۹۷۷)
- مسائل مرکزی در نظریه اجتماعی (۱۹۷۹)
- قانون اساسی جامعه (۱۹۸۴)
- راه سوم (۱۹۹۸)

نظریه ساختاربندی

نظریه گیدنز برخلاف نظریه پردازان کارکردی - ساختی، اندیشمندان مکتب فرانکفورت، کنش متقابل نمادین‌ها را در قالب تلفیقی از نظریات خرد و کلان به صورت دیالکتیکی ارائه می‌دهد. گیدنز معتقد است که در هر بررسی علوم اجتماعی یا تاریخی باید «عاملیت و کنش» را با «ساختار» مرتبط ساخت. به همین سبب کار مهم گیدنز «غلبه بر دوگانگی ساختار و عاملیت» است. «ساختاربندی» روشن کردن رابطه متقابل و دیالکتیک عاملیت و ساختار است. از نظر وی، برای بازتولید ساختارها نیازمند عملکردهای اجتماعی نیت‌شده عاملان در جریان کنش‌های متقابل اجتماعی هستیم. بنابراین ساختار و عاملیت به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت روزمره ما تنیده شده‌اند. گیدنز ساختار را به‌عنوان قواعد و منابعی^۳ که کنشگران را به انجام عمل توانا می‌سازد، و عامل را موجود انسانی که دارای آگاهی عملی یا استدلالی است، در نظر گرفته است (گیدنز، ۱۳۹۶: ۳۱۴-۳۰۹).

انتقاد کرایب بر گیدنز این است که ساختار را به قواعد کنش مربوط می‌داند. در این صورت چگونه می‌توان اصول ساختاری رابطه دولت - اقتصاد یا تبدیل پول به سرمایه را بررسی کرد؟ در واقع اگر کارمان را با «کنش اجتماعی» آغاز کنیم، نمی‌توانیم محدودیت‌های کنش و ساختار اجتماعی را درک کنیم. بنابراین ساختار هم مقیدکننده و هم تابع خواسته کنشگر است (کرایب، ۱۳۷۸: ۲۵۰).

نوگرایی (مدرنیته)



گیدنز متفکری است که بدون داشتن دید منفی نسبت به نوگرایی، به بازاندیشی و بازتفسیر آن و در نهایت به سودمند بودن آن برای جامعه بشری پرداخته است. گیدنز در کتاب پیامدهای مدرنیته، نظریه ساختاربندی خود را برای بررسی جنبه‌های گوناگون نوگرایی به کار گرفته و امکانات و تهدیدات آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. این تحول سه گانه را گیدنز به این شرح فهرست‌بندی می‌کند:

۱. جهانی کردن پهنه دگرگونی از سطح ملی؛
۲. شتاب در تحول؛
۳. نهادسازی، به‌خصوص تأسیس دولت

نوین (مدرن) ملی که امری تأسیسی است. گیدنز در کتاب «پیامدهای مدرنیته» می‌نویسد: «مدرنیته (نوگرایی) تحت تأثیر دوگانه دولت ملی توسعه‌گرا و نظام صنعت‌گرای سرمایه‌داری در غرب شکل گرفت» (ایزدی، ۱۳۸۸: ۳۱-۲۹).

گیدنز چهار خطر احتمالی نوگرایی را که در این چارچوب نهادی، سیاسی و اقتصادی نهفته است، تشخیص می‌دهد. نخستین خطر احتمالی، «توانایی بیشتر صاحبان قدرت در نظارت بر کنترل اطلاعات و زیر نظر گرفتن مردم» است. دومین خطر احتمالی، «افزایش سریع قدرت نظامی» است. سومین خطر احتمالی با «سقوط بالقوه نظام‌های رشد اقتصادی» رابطه دارد که این موضوع، با چهارمین خطر، یعنی «امکان بالقوه زوال یا فاجعه زیست بومی» مرتبط است. ولی گیدنز تسلیم بدبینی نمی‌شود و این خطر را بالقوه می‌داند نه اجتناب‌ناپذیر (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۰).

تأکید بر عامل و فقدان توضیح ساختار، دوگانگی را که گیدنز می‌خواهد از آن اجتناب کند، عملاً نقض می‌کند. گیدنز ادعا می‌کند که دوگانگی را که مشخصه تحلیل کلان و تحلیل خرد است، از بین می‌برد و بر رابطه‌ای دیالکتیکی و دوسویه تأکید دارد. اما او به جای آن، تحلیلی از نوگرایی در سطح کلان، بدون اشاره به عامل و تحلیل عاملی در سطح خرد بدون اشاره به ساختار نهادی انجام داده است (کورت و ادین گاربی، ۲۰۱۳: ۹۲-۱۰۱). توصیف گیدنز در مورد نوگرایی ما را به این نتیجه می‌رساند که گویی نوگرایی فرایندی ناگزیر است و سروکار ما بیشتر با نظام‌های انتزاعی است تا با مناسبات ملموس و واقعی (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

جدایی زمان و فضا

گیدنز نوگرایی را حاصل دگرگونی شدید زمانی - فضایی

می‌داند. در نوگرایی دو نوع دگرگونی در زمان و فضا اتفاق افتاده است: یکی، «جدایی زمان و فضا»، و دیگری «ازجاکندگی». منظور از جدایی زمان و مکان، فاصله‌گیری و تهی‌شدن زمان از فضای محلی در نتیجه شیوه‌های نوین محاسبه زمان است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۲). نتیجه تهی‌شدن زمان این می‌شود که زمینه ازجاکندگی روابط اجتماعی نیز فراهم می‌آید (همان، ص ۲۵-۲۳). نیروی نوگرایی شبیه جاگنات (ارابه حاوی کربشنا) است که از کنترل مردمی که آن را حرکت می‌دهند، آزاد است (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۲۹). به نظر گیدنز عنصر اساسی شتاب در دنیای نوین، جدایی زمان و فضا است. جدایی زمان و فضا شرط نخست فرایندهای ازجاکندگی است (حاجی‌حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

انتقادات عمیقی در مورد مفهوم‌سازی بُعد زمان - مکان صورت گرفته است. گریگوری در راستای این امر خاطرنشان می‌کند که مفهوم‌سازی زمان - مکان، دارای مسئله بغرنجی است؛ اینکه گیدنز در این مورد به تبیین بازتولید نظام اجتماعی پرداخته است. در واقع، گیدنز بیشتر بر زمان تأکید می‌کند تا مکان و در کارش فقدان مفهوم‌سازی فضا وجود دارد. گریگوری می‌گوید: «نظریه ساختار در مورد تولید فضا عملاً ساکت است». بنابراین، بین تحلیل زمان - مکان و تغییر ساختارها و عاملیت، گسست وجود دارد.

انتقاد **یان کرایب** از گیدنز این است که تصویر او از جهان نوین که در تمثیل گردونه خردکننده ارائه می‌دهد، چندان با نظریه ساختاربندی او جور در نمی‌آید. زیرا او در نظریه ساختاربندی بر قدرت عوامل انسانی تأکید دارد، ولی در تمثیل گردونه خردکننده، دنیای نوین به منزله قطاری تصویر شده که همه سوار بر آن هستند؛ به گونه‌ای که ترمز و مهارش دست انسان‌ها نیست. گویی انسان‌ها بر ساخته و تابع شرایط نوین هستند و اختیاری ندارند. در این تمثیل از جهان نوین، به خلاقیت و فاعلیت انسان‌ها بهایی داده نمی‌شود (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۶۶).

نظریه بازاندیشی

بازاندیشی یکی دیگر از مفاهیم محوری در اندیشه گیدنز است. به نظر او در نظم پسانستی، هویت شخصی بازاندیشی می‌شود و انسان‌ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند. معنای بازاندیشی چنین است: «بازاندیشی فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و بازتاب اطلاعات روان‌شناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی است. حتی سنت‌ها هم در جهان نوین بازاندیشی می‌شوند و دوباره در جریان زندگی فرد قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶). ترنر در انتقاد از گیدنز معتقد است: می‌توان شواهد متعدد و قوی ارائه کرد که «خود» به‌عنوان پروژه‌ای بازاندیشانه، سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد و بازاندیشی فرد چیز جدیدی نیست (گیدنز، ۱۳۸۴: ۵۱).



جهانی شدن

گیدنز (۱۹۹۰) جهانی شدن را فرایندی می‌داند که به وسیله آن، رویدادها، تصمیم‌ها و فعالیت‌های انجام گرفته در یک قسمت از جهان، بر افراد، گروه‌ها و جوامع در سایر نقاط تأثیر می‌گذارد. در واقع، جهانی شدن روندی است پر قدرت که در فرصتی نسبتاً کوتاه، کشورهایی را که نتوانند خود را با آن تطبیق دهند، پشت سر خواهد گذاشت. اما در صورت بهره‌برداری مناسب می‌تواند موجب توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترده کشورهای جهان شود.

نوشته‌های متأخر گیدنز نتوانسته است، نقش خودانتقادی انعکاسی را ایفا کند که او به عنوان ویژگی متمایز «فرهنگ پساسنتی» مشخص می‌کند. آن‌ها نظم اجتماعی را زیر سؤال نمی‌برند، بلکه ناخواسته همان سنت‌هایی را که نظم اجتماعی درون آن تعبیه شده است، باز تولید می‌کنند. گیدنز در بیشتر موارد، درگیری‌های جدید در این نظم اجتماعی نوظهور را مورد بحث قرار نمی‌دهد، بلکه تنها بر مسائل فردگرایانه هویت و روابط شخصی تمرکز می‌کند. با این حال، در آخرین انتشارات خود، «فراتر از چپ و راست و راه سوم»، او تلاش می‌کند به مسائل سیاسی گسترده‌تری بپردازد و برنامه‌ای از «پسافوردگرایی» ارائه دهد (کینگ، ۲۰۰۹: ۶۷-۶۵).

راه سوم

هدف کلی سیاست راه سوم باید کمک به شهروندان برای یافتن راه خود از میان انقلاب‌های عمده دوران ما، یعنی «جهانی شدن»^۹، «دگرگونی در زندگی شخصی» و «رابطه ما با طبیعت» باشد. ارزش‌های اصلی راه سوم بدین ترتیب‌اند:

- برابری؛
- حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر به وسیله دولت؛
- آزادی به مثابه استقلال فردی؛

- بدون مسئولیت‌نبودن هیچ حقی؛
- بدون مردم‌سالاری (دموکراسی) نبودن هیچ اقتداری؛
- کثرت‌گرایی جهان‌میهنی (گیدنز، ۲۰۰۰).

پی‌نوشت‌ها

1. Anthony Giddens
2. Rules and resources
3. Globalization
4. pluralism

منابع

۱. ایزدی، عظیم (۱۳۸۸). «گیدنز و مدرنیته واپسین»، نشریه کیهان فرهنگی. شماره ۲۸۱-۲۸۰.
۲. جلاتی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. نشر نی. تهران.
۳. حاجی‌حیدری، حامد (۱۳۸۸). آنتونی گیدنز؛ مدرنیته، زمان، فضا. انتشارات اختران. تهران.
۴. حاجی‌حیدری، حامد و متقی، علی (۱۳۹۱). «بازسازی الگوی بازاندیشی گیدنز بر مبنای مواضع اخیرتر او راجع به سنت». نشریه تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۱. شماره ۳.
۵. ریتزر، جرج (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. نشر علمی. تهران.
۶. کرایب، یان (۱۳۷۸). نظریه‌های مدرن در جامعه‌شناسی از پارسنز تا هابرماس. ترجمه محبوبه مهاجر. انتشارات سروش. تهران. چاپ اول.
۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). «چشم‌اندازهای جهانی». ترجمه محمدرضا جلالی پور. انتشارات طرح نو. تهران. چاپ دوم.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶). ساخت جامعه. ترجمه اکبر احمدی. نشر علم. تهران.
9. Giddens A. (2000). The Third Way and its critics, First published in by Polity Press in association with Blackwell Publishers Ltd.
10. Kort, w. & Eddine Gharbi, J. (2013). Structuration theory amid negative and positive criticism.
11. King, A. (2009). Legitimizing post-Fordism: a critique of Anthony Giddens' later works.

کارآمدی و تأثیر آموزش علوم اجتماعی



امین احمدی
کارشناسی ارشد
جغرافیا و برنامه‌ریزی
شهری

همچنان مؤثر باقی مانده است. به عقیده پارسونز: «وظیفه مدرسه انتقال یا القای ارزش‌ها، سنت‌ها و اخلاقیات پذیرفته شده به وسیله جامعه به دانش‌آموزان است.» به عقیده او، دانش‌آموزان در مدرسه نقش‌های متفاوت اجتماعی و همچنین انتظارات مربوط به آن نقش‌ها را می‌آموزند. آموزش و پرورش از دیدگاه دورکیم نیز مکانی است برای درونی‌سازی آنچه که او «حقایق اجتماعی» یا «وجود اجتماعی» می‌نامد.

بزرگان و صاحب‌نظران متعدد بر اهمیت مطالبی که به دانش‌آموزان آموخته می‌شوند تأکید دارند. این رسالت بزرگ بر عهده مؤلفان کتاب‌های درسی است تا بتوانند آنچه را به عنوان حقیقت اجتماعی در جامعه وجود دارد، به فراگیرندگان انتقال دهند. در این راستا کتابی نیز با عنوان «علوم اجتماعی» تألیف کرده‌اند. اما اکنون یک سؤال مهم مطرح می‌شود: «آیا کتاب علوم اجتماعی و به خصوص دبیران مربوطه توانسته‌اند دانش‌آموزان را جامعه‌پذیر کنند و حقایق اجتماعی را به آنان انتقال دهند؟»

برای پاسخ به این سؤال بهتر است آمار کج‌روی‌های اجتماعی

جوامع متمدن و نوگرای امروزی زندگی را برای انسان‌ها سخت و دشوار کرده‌اند، به طوری که در شرایط کنونی، زندگی در اجتماع مستلزم داشتن آگاهی‌ها و مهارت‌هایی است که انسان می‌باید فرا گرفته باشد؛ حال این یادگیری‌ها را خانواده به او آموخته باشد یا مدرسه. اما با هر دیدگاهی، اهمیت داشتن مهارت برای هر فرد بر هیچ کس پوشیده نیست.

مقدمه یادگیری و تفکر صحیح آن است که افراد جامعه‌پذیر شوند. آنها باید بتوانند گرایش‌ها، ارزش‌ها و اعمالی را که به عنوان شهروند انجام خواهند داد، یاد بگیرند. برقراری ارتباط صحیح با دیگران، دیگر مانند گذشته یک ترقی و یا پیشرفت فردی محسوب نمی‌شود، بلکه ضرورتی است که امروزه فرد در صورت نداشتن آن از زندگی سالم در اجتماع باز می‌ماند.

جامعه‌پذیری از طریق عوامل متفاوت، مانند خانواده، گروه همسالان، مدرسه و ... آموخته می‌شود. امروزه به دلیل گسترش شبکه‌های اجتماعی و همچنین افزایش تعداد افراد شاغل در خانواده، ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر به شدت کاهش یافته است. اما مدرسه به دلیل تنوع بالای ساختاری و موضوعی

دانش‌آموزان را در مسائل متفاوت بررسی کنیم تا میزان تأثیر مطالبی را که به آن‌ها یاد داده‌ایم، بر ایمان روشن شود. از دیدگاه روان‌شناسی، بیش از تغییر یک رفتار، آگاهی نسبت به اشتباه بودن رفتار قبلی ارزشمند است. زیرا می‌تواند مقدمات ایجاد تغییرات وسیع‌تری را هموار کند. این دیدگاه در مورد مسائل مربوط به محتوای کتاب‌های آموزشی نیز صادق است. دانستن همین موضوع که چه مطالبی را به دانش‌آموز انتقال می‌دهیم و همچنین آگاهی از صحیح یا غلط بودن آن‌ها، از اجرای برترین شیوه‌های تدریس در کلاس مهم‌تر است.

در کل دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نحوه آموزش در کتاب‌های آموزشی و به‌خصوص علوم اجتماعی مطرح شده‌اند، اما به‌طور کلی می‌توان گفت کتاب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه نتوانسته دانش‌آموزان را با جامعه و مسائل روز پیرامون خود آشنا سازد و تنها به کاستی‌های دنیای غرب پرداخته است؛ بدون آنکه مخاطبان این کتاب پیش‌زمینه‌ای درباره جامعه و فرهنگ غرب داشته باشند. حتی خود نویسندگان هم آشنایی کاملی از مفاهیم استفاده شده ندارند، به‌طوری که بارها مفهوم «سکولار» را به اشتباه تعریف و تفسیر کرده‌اند و معناهای نادرستی را به آن نسبت می‌دهند. نه تنها مفهوم سکولار، بلکه مفاهیم گسترده دیگری که معناکردن اشتباه آن‌ها باعث انتقال دانشی نادرست به دانش‌آموزان خواهد شد.

نگارش کتاب برای یک گروه سنی خاص مستلزم شناخت آن گروه سنی و فهم کامل از شرایط کنونی جامعه است. در حالی که محتوای کلی کتاب جامعه‌شناسی مدرسه در طول زمان تغییرات چندانی نداشته و صرفاً به کلیات پرداخته است. همین موضوع سبب شده است دانش‌آموزان نتوانند درک صحیحی از پیرامون خود داشته باشند. یکی از مشکلات کتاب نه بیان نکردن موضوع‌های جامعه‌شناسی، بلکه بیان کردن نادرست آن‌هاست که باعث می‌شود، بیش از آنکه مطلبی آموخته شود، علاقه و شوق یادگیری از دانش‌آموز گرفته شود.

مخاطب کتاب باید بعد از گذراندن دوره تحصیل دید نوین و نسبتاً کاملی نسبت به جامعه و پیرامون خود پیدا کرده باشد تا بتواند در صورت مواجه شدن با مسائل اجتماعی تصمیم‌های صحیحی اتخاذ کند. دانش‌آموز باید بداند که در اجتماع با طیف وسیعی از افراد روبه‌رو می‌شود و همین موضوع باعث بروز کنش‌های متعددی از سوی او خواهد شد. آگاهی از این موضوع که هیچ کنشی از طرف فرد در جامعه بی‌پاسخ نمی‌ماند و کنش متقابلی رخ خواهد داد، باعث می‌شود فرد در انجام برخی از کنش‌ها تجدید نظر کند. زیرا مشکل عمده در کشورهای جهان سوم، مثل گذشته نداشتن امکانات نیست، بلکه اکنون مشکل نداشتن تخصص کافی در استفاده از امکانات موجود است؛ همان‌طور که ون دایک از این موضوع با عنوان «شکاف کاربری» نام می‌برد.

متأسفانه سیاست کشورهای سرمایه‌داری در جهان بر اصل

وابستگی و اجرای تغییرات برنامه‌ریزی شده در کشورهای وابسته استوار است. جامعه هدف برای برنامه‌ریزان قطعاً دانش‌آموزانی هستند که در آینده نزدیک عهده‌دار مسئولیت‌های بزرگی در جامعه خواهند بود. جداکردن قوه تفکر از دانش‌آموزان و تحمیل حفظیات محض به آن‌ها افرادی را پرورش خواهد داد که بدون هیچ پرسشی و یا تفکری به استفاده از وسایلی بپردازند که به منظور به کنترل درآوردن افراد ساخته و پرداخته شده‌اند.

این موضوع بیش از آنکه برای گروه بزرگسالان جامعه خطرناک باشد، دانش‌آموزانی را تهدید می‌کند که بدون هیچ دانشی فقط مصرف‌کننده هستند. آموزش این گروه به عهده مؤلفان کتاب‌های درسی، به‌خصوص کتاب‌های جامعه‌شناسی است. آن‌ها باید به جای بیان مطالب غیر کاربردی و به بیان مطالبی مختص این گروه سنی با توجه به شرایط روز دست بزنند. آموزش باید هدفمند صورت گیرد تا یادگیری مؤثر واقع شود. چه کتابی بهتر از جامعه‌شناسی می‌تواند این حجم وسیع اطلاعات را بیان کند؟

یادمان باشد، دیگر مانند گذشته نمی‌توان فردی را که فقط توانایی خواندن و نوشتن داشته باشد، باسواد نامید. بلکه «باسوادی توانایی شناخت، درک، تفسیر، ساخت، برقراری ارتباط و محاسبه در استفاده از مواد چاپ شده و نوشته شده مربوط به زمینه‌های گوناگون است. باسوادی زنجیره آموزشی را که توانایی رسیدن به هدف‌ها، توسعه دانش و ظرفیت، و شرکت کامل در جامعه‌های بزرگ‌تر را برای یک فرد فراهم می‌کند، دربردارد» (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد - یونسکو).

کشور قطعاً به دانش‌آموزان باسوادی نیاز دارد که ضمن داشتن آگاهی کافی بتوانند از آموخته‌های خود در مسیر ناهموار زندگی استفاده کنند. این موضوع مستلزم افزایش مهارت‌های دبیران و همچنین کاربردی شدن مطالب درسی در آموزش و پرورش است. تغییر در محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی، علاوه بر یک تحقیق میدانی وسیع، نیازمند آن است که جامعه به‌خصوص آموزش و پرورش، اهمیت ویژه‌ای به این کتاب بدهند. حرکت در مسیر کنونی بدون تغییر نگرش در ساختار اصلی فایده به‌خصوصی ندارد.

زیرا متأسفانه در کشور ما به جامعه‌شناسی به دید یک علم غربی نگریسته می‌شود و اصولاً جایگاه علوم انسانی در مقابل سایر رشته‌ها جایگاه مناسبی نیست. ابتدا باید متخصصان علوم انسانی و رشته‌های مرتبط منزلت از دست‌رفته را بازیابند و در ادامه مسیری هموارتر برای این دسته علوم مدون و مشخص کنند.

این یادداشت صرفاً بر اساس تجربه تدریس کتاب مذکور انجام گرفته است و این موضوع قطعاً بررسی‌های بیشتر و کامل‌تری را می‌طلبد. اما همین طرح موضوع نیز می‌تواند اثربخش باشد؛ همان‌طور که سارتر می‌گوید: «آشکار کردن، تغییر دادن است.»



برگزیدگان الگوهای برتر تدریس درس علوم اجتماعی



دکتر مژده قربانعلی زاده

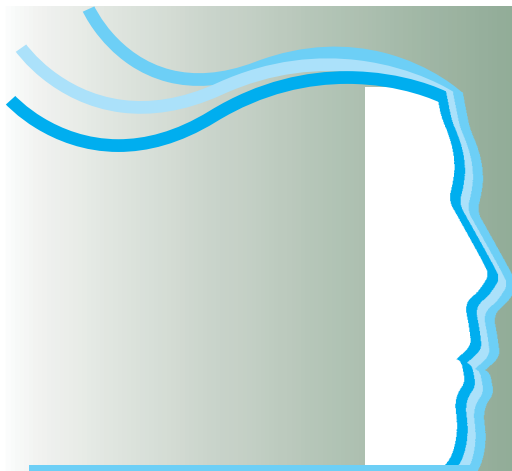
دبیر دبیرخانهٔ کشوری علوم اجتماعی و سواد رسانه‌ای

اشاره

الگوهای «برتر» تدریس معلمانی هستند که روش‌های خلاقانه و مهارت‌هایشان در تدریس موفق، مؤثر و جذاب علوم اجتماعی را ارائه می‌دهند. در ادامهٔ این سلسله گفت‌وگوها با دو تن دیگر از دبیران برگزیده به‌عنوان الگوی برتر تدریس مصاحبه شده است که از نظر آنان می‌گذرد.



الگوهای برتر
تدریس علوم اجتماعی
قسمت اول



عاطفه سادات مدیر نژاد

رتبه اول جشنواره سال ۱۳۹۸، در محور
تدریس حضوری و رتبه سوم در سال ۱۳۹۹،
در محور تدریس غیر حضوری

خودتان را به طور خلاصه معرفی کنید.

عاطفه سادات مدیر نژاد، ۲۹ ساله، متولد منطقه لوداب شهرستان بوير احمد استان کهگیلویه و بویر احمد هستم. در سال ۱۳۹۱، با کسب رتبه دو رقی (رتبه ۷۳) در آزمون سراسری، دانشگاه فرهنگیان را برای ادامه تحصیل و شغل شریف معلمی انتخاب کردم. در هر سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا رتبه اول را کسب کردم. علاوه بر رتبه‌های برتر در جشنواره‌های گوناگون، دارای مقالات چاپ شده متعدد علمی - پژوهشی هستم.

چطور با جشنواره آشنا شدید؟ مهم‌ترین هدف و انگیزه‌تان برای شرکت در جشنواره چه بود؟

از طریق اطلاع‌رسانی گروه‌های آموزشی استان و بخشنامه‌های ارسالی به مدرسه‌ها با این جشنواره آشنا شدم. هدف اصلی من از شرکت در جشنواره این بود که با تدریس خودم حلقه گم‌شده تدریس در دوره دوم متوسطه، یعنی خلاقیت و اشراف به روش‌های تدریس نوین را نشان دهم تا سایر همکاران هم بتوانند از این تجربه استفاده کنند. از طرف دیگر من جشنواره را فرصتی می‌دانم که از طریق آن می‌توانم از تجربیات دیگر همکاران بهره بگیرم. همین‌طور تدریسم در برابر دید بقیه قرار می‌گیرد و می‌توانم با نقد تدریس خودم توسط دیگران، نقاط قوت و ضعفم را بشناسم و در نهایت در برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت خودم بکوشم.

فیلم تدریس شما به کسب رتبه در مرحله کشوری موفق شد. برای تدریس از چه ایده و روشی استفاده کردید؟

در سال ۱۳۹۸ در جشنواره حضوری الگوهای تدریس برتر درس جامعه‌شناسی از شکلات برای آموزش رویکردهای مختلف به نابرابری استفاده کردم.

در سال ۱۴۰۰ هم از روش تدریس معکوس و روش تدریس مسئله‌محور استفاده کردم و کوشیدم با طراحی یک معما و نقشه رسیدن به پاسخ آن، به دانش‌آموزان کمک کنم مطالب را به کمک یکدیگر و با راهنمایی معلم به خوبی یاد بگیرند.

مهم‌ترین چالش‌های شما در ارتباط با جشنواره چه بود؟

حضور نبودن جشنواره در بخش تدریس یکی از چالش‌های موجود بود، چرا که معتقدم در جشنواره حضوری تبادل اطلاعات و استفاده از تجربه‌های همکاران بهتر صورت می‌گیرد. البته زمان ابلاغ شیوه‌نامه جشنواره هم برای ما به عنوان یک چالش مطرح است، چرا که عملاً فیلم‌برداری به بعد از عید موکول می‌شود و مشکلات هماهنگ شدن با دانش‌آموزان به خصوص در پایه دوازدهم چند برابر است.

به نظر شما جشنواره به معلمان علوم اجتماعی چه کمکی می‌تواند بکند؟

مباحثی در درس‌های علوم اجتماعی وجود دارند که به نظر می‌رسد تدریس آن‌ها برای معلمان دشوار است. لذا اگر بتوان با نظرسنجی از معلمان علوم اجتماعی آن مباحث را انتخاب کرد و جزو مباحث جشنواره برای تدریس قرار داد، می‌تواند بسیار راهگشا باشد. چرا که تدریس این مباحث را می‌توان در اختیار سایر همکاران قرار داد و همکاران هم می‌توانند از تجربه‌های یکدیگر استفاده کنند.

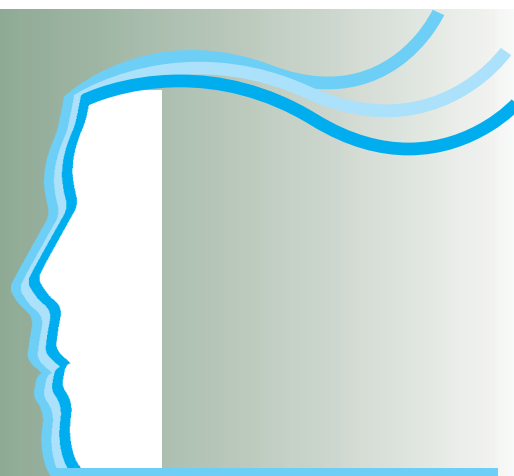
برای تقویت جشنواره و استقبال معلمان در این حوزه چه پیشنهادی دارید؟

حضور شدن جشنواره؛
تشویق مادی و معنوی معلمان شرکت‌کننده؛
استفاده از ظرفیت دبیران توانمند برای آگاه‌سازی و تبیین اهداف جشنواره برای معلمان.



مریم یابنده جهرمی

رتبه اول پانزدهمین جشنواره الگوهای برتر تدریس



استان فارس و با سطح آموزش متفاوت تدریس کرده بودم، تجربه‌های زیادی در این زمینه داشتم و با روحیات دانش‌آموزان آشنا بودم، نیاز به روش تدریسی مناسب را احساس می‌کردم. با این هدف در جشنواره شرکت کردم که با روش‌های نوین و فعال تدریس که توسط همکاران اجرا می‌شود، آشنا شوم، از روش‌های تدریس ارائه‌شده ایده بگیرم، متناسب با شرایط آموزشی مدرسه و ویژگی دانش‌آموزانم در آن‌ها تغییر ایجاد کنم، و از آن‌ها در جهت افزایش کیفیت تدریسم بهره بگیرم.

فیلم تدریس شما به کسب رتبه در مرحله کشوری موفق شد. برای تدریس از چه ایده و روشی استفاده کردید؟

تلاش من در طول سال‌های تدریسم این بود که کلاس درس خسته‌کننده‌ای نداشته باشم، مطالب کتاب را در سطحی فراتر از دانش و درک و فهم تدریس کنم و با توجه به انتزاعی بودن مفاهیم جامعه‌شناسی روش‌هایی را برای تدریس در نظر بگیرم که ضمن علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به جامعه‌شناسی، مفاهیم این حوزه را خوب یاد بگیرند و درک کنند. علاوه بر این، یکی از دغدغه‌های من در هر سال تحصیلی این است که نمره دانش‌آموزان را بر اساس انصاف و عدالت محاسبه و ثبت کنم. برای رسیدن به این هدف در ابتدای سال تحصیلی شاخص‌هایی را با امتیازهای مشخص برای ارزیابی دانش‌آموزان تعیین و به آن‌ها اعلام می‌کنم. هر جلسه هم در مورد فعالیتشان به آن‌ها بازخورد می‌دهم. در پایان هر نیم‌سال (ترم) از مجموع امتیازهای کسب‌شده، نمره مستمر دانش‌آموزان را به دست می‌آورم.

لطفاً خودتان را به‌طور خلاصه معرفی بفرمایید.

مریم یابنده جهرمی، متولد ۱۳۴۹، از استان فارس هستم. در سن ۲۰ سالگی با مدرک دیپلم به‌عنوان معلم حق‌التدریس طرح‌کاد وارد آموزش و پرورش شهرم، «خفر» شدم. سپس در دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری به تحصیل ادامه دادم. مدت ۱۵ سال (۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶) در منطقه‌های محروم اوز، لارستان و لامرد در سمت‌های دبیر، مدیر و معاون مشغول خدمت بودم. سال ۱۳۸۷، بعد از مهاجرت به شیراز، مدت ۱۱ سال در شهرستان مرودشت مشغول خدمت شدم و از سال ۱۳۹۸ تاکنون به‌صورت انتقال موقت در ناحیه ۴ شیراز و گروه‌های آموزشی استان مشغول انجام وظیفه هستم.

چطور با جشنواره آشنا شدید؟ مهم‌ترین هدف و انگیزه‌تان از شرکت در جشنواره چه بود؟

در جریان برگزاری کارگاه آموزشی، ضمن گفت‌وگو با سرگروه محترم جامعه‌شناسی استان، جناب آقای دکتر حسنی در مورد «یادگیری معکوس»، با جشنواره آشنا شدم و به تشویق ایشان تصمیم گرفتم در این جشنواره شرکت کنم. استفاده از روش‌های سنتی تدریسی که سابقه‌ای طولانی در نظام آموزشی ما دارد، معمولاً دانش‌آموزان را منفعل می‌کند و موجب خستگی آنان و یکنواختی کلاس می‌شود. اما روش‌های نوین تدریس کاملاً خلاقانه هستند و فراگیرندگان را به‌طور فعال در فرایند آموزش مشارکت می‌دهند. همین امر موجب تقویت فضای آموزش می‌شود. با توجه به اینکه بنده در مدرسه‌های منطقه‌های متفاوت

در زمان برگزاری جشنواره نیز، ضمن رعایت نکته‌های بالا، کارهای زیر را انجام دادم:

۱. گروه‌بندی دانش‌آموزان؛
۲. تهیه پاورپوینت از محتوای موردنظر و برجسته کردن (های‌لایت) کلمه‌های کلیدی در هر اسلاید؛
۳. تهیه فهرست واریسی (چک‌لیست) از شاخص‌های ارزیابی فعالیت‌های فردی و گروهی؛
۴. شروع کلاس با یاد خدا، حضور و غیاب، و پیگیری دلایل غیبت جلسه قبل؛
۵. تدریس مبحث موردنظر با استفاده از روش پرسش و پاسخ و بارش مغزی؛
۶. تعیین تکلیف‌های فردی و گروهی، بازدید از تکلیف‌های جلسه قبل، ثبت نمره هر دانش‌آموز در فهرست‌واریسی، و اعلام امتیازهای دانش‌آموزان؛
۷. معرفی منابع برای مطالعه بیشتر؛
۸. اعلام پایان کلاس با ذکر صلوات.

مهم‌ترین چالش شما در ارتباط با جشنواره چه بود؟

برگزاری جشنواره الگوهای برتر تدریس کار پسندیده‌ای است که هر ساله با تلاش وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود و جا دارد از این فرصت استفاده کنم و از تمامی دست‌اندرکاران برگزاری پانزدهمین جشنواره الگوهای برتر تدریس که در سنجش برگزار شد و بنده به‌شخصه از نزدیک شاهد تلاش شبانه‌روزی آن‌ها بودم، تشکر کنم. بی‌شک اجرای هر برنامه‌ای در کنار مزیت‌هایش، با چالش‌هایی همراه است. جشنواره نیز از این امر مستثنا نیست. برخی چالش‌ها عبارت‌اند از:

تناسب‌نداشتن محتوای تدریس با زمان تدریس؛
کافی نبودن زمان برای توجیه دانش‌آموزان و هماهنگی با آن‌ها؛

دوری راه و مشخص نبودن زمان اجرای مرحله کشوری در شیوه‌نامه؛

تأمین نشدن اعتبار برای ایاب و ذهاب از طرف اداره؛
وجود مشکلاتی در زمینه گرفتن معرفی‌نامه و ابلاغ مأموریت؛

فشرده بودن زمان اجرای جشنواره که علاوه بر ایجاد خستگی زیاد، باعث شد از تماشای تعداد زیادی از

تدریس‌های همکاران محروم شویم.
تحويل گرفتن خوابگاه بلافاصله بعد از مراسم اختتامیه.
اما با وجود تمامی موارد ذکرشده، حضور در جشنواره لحظه‌هایی به یاد ماندنی و تجربه‌های جدیدی برای من به ارمغان آورد. از جمله خاطرات ماندگار و لذت‌بخش می‌توان به این موضوع اشاره کرد که همکاران برای رقابت با یکدیگر از نقاط متفاوت ایران گرد هم آمده بودند، اما از به اشتراک گذاشتن تجربه‌های خود با دیگران و راهنمایی یکدیگر، پیش از شروع رقابت، دریغ نمی‌کردند!

جشنواره چگونه می‌تواند به معلمان علوم اجتماعی کمک کند؟

امروزه تحول در حوزه علوم اجتماعی موضوعی بسیار با اهمیت و جدی است و در چند سال اخیر، با تأکید مقام معظم رهبری در این زمینه، اقدامات ارزشمندی انجام شده‌اند. اما همچنان فاصله با آرمان‌ها بسیار زیاد است. به نظر می‌رسد برگزاری این جشنواره‌ها با رویکردهای متفاوت، بتواند به معلمان علوم اجتماعی در زمینه بومی‌سازی، کارآمدسازی، هماهنگی با جهان اسلام و ایجاد فضای مساعد برای رقابتی علمی کمک شایان توجهی کند. همچنین برگزاری جشنواره‌ها می‌تواند زمینه‌ای را برای کسب تجربه معلمان جدیدالاستخدام فراهم آورد.

برای تقویت جشنواره و استقبال معلمان از آن چه پیشنهادی دارید؟

یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب می‌شود، معلمان از جشنواره استقبال نکنند این است که آن‌ها اطلاعات دقیقی در مورد چگونگی اجرای جشنواره ندارند. بنابراین پیشنهاد می‌کنم، هم‌زمان با ابلاغ شیوه‌نامه جشنواره، امکانی فراهم شود تا همکاران بتوانند به فیلم تدریس‌های برتر سال‌های گذشته دسترسی داشته باشند.

تأمین اعتبار و همکاری مدیران مدرسه‌ها برای اجرای پروژه‌های همکاران در مرحله شهرستان و تأمین اعتبار و همکاری اداره کل برای شرکت همکاران منتخب در مرحله کشوری نیز می‌تواند موجب استقبال همکاران از جشنواره شود. در نظر گرفتن امتیازهای ویژه برای دبیران منتخب جشنواره در مرحله‌های استانی و کشوری.

بازماندگان از تحصیل

کرونا و کاهش کیفیت آموزش دانش آموزان

مهسا امیر حسینی

کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دبیر تربیت بدنی،
اداره آموزش و پرورش شهر گرگان

اشاره

موضوع بازماندگان از تحصیل یا ترک تحصیل دانش آموزان پدیده‌ای است نگران کننده و تلخ که در اکثر مناطق و مخصوصاً مناطق محروم شاهد آن هستیم. هرچند متولیان امر و خیران در تلاش اند مشکل این دانش آموزان را رفع کنند، اما هستند افرادی که با وجود این تلاش‌ها از گردونه تحصیل باز می‌مانند.

مقدمه

بازماندن از تحصیل قصه تازه‌ای نیست و بارها شاهد نمونه‌های عینی آن در جامعه بوده‌ایم. افرادی با وجود میل به تحصیل، امکان حضور در کلاس درس معلم را ندارند. این بار کرونا نقش مهمی در بازماندگی از تحصیل و البته افزایش تعداد کودکان کار داشته است. تحصیل کردن حق قانونی کودکان و نوجوانان است و مشاهده وضعیت افرادی که به هر دلیل از این نعمت محروم می‌شوند، در روحیه بسیاری از مردم تأثیر منفی می‌گذارد. قریب به چند سال از شیوع کرونا و ویروس در کشور می‌گذرد. شیوع و ویروس کرونا نه تنها دانش آموزان را از مدرسه رفتن محروم کرد، بلکه بستر بازماندن از تحصیل بسیاری از آن‌ها در فضای مجازی مدرسه‌ها را نیز به وجود آورد.

آمار ترک تحصیل

تداوم شیوع کرونا آن هم طبق بررسی مسئولان و متخصصان،

تا دو سال آینده، اما و اگرهای بسیاری را نسبت به هم‌زیستی با این ویروس دارد. برخی خانواده‌ها معتقدند یک سال دوری از مدرسه اتفاق خاصی در روند آموزش فرزندانشان ایجاد نمی‌کند. بنابراین از حضور فرزندانشان در مدرسه امتناع کردند؛ به‌ویژه خانواده‌هایی که نوآموز پیش‌دبستانی یا بدو ورود به مدرسه داشتند [آقدسی، ع. و زینال فام، ا.، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۱۳]. اما در مقابل، برخی خانواده‌ها معتقدند که مدت‌زمان شیوع کرونا و جولان آن معلوم نیست چه زمانی به پایان برسد. بنابراین نگران آینده فرزندان خود هستند و آن‌ها را با حفظ دستورالعمل‌های بهداشتی راهی مدرسه می‌کنند. آن‌ها امیدوارند مدرسه‌ها هم این دستورالعمل‌ها را رعایت کنند. در آمار منتشرشده، ابتدا نسبت به آمار ثبت نام نگرانی وجود داشت، اما در شرایط فعلی بیش از ۹۹ درصد دانش آموزان پایه اولی نام‌نویسی کرده‌اند. در

مورد پیش‌دبستانی‌ها هم همیشه در این موقع آمار ثبت نام کمتر از دوره ابتدایی بوده است.

آموزش مجازی و چالش‌ها

طبق پژوهش‌های انجام شده برای تعیین تأثیر آموزش مجازی توسط «شبکه شاد» که با مشارکت حدود ۵۰ هزار معلم در رشته، مدرسه و استان‌های متفاوت انجام گرفت، مشخص شد سامانه شاد حدود ۶۲ درصد در آموزش‌های مجازی اثربخشی دارد. در صورتی که یک سامانه مناسب و برخط باید بتواند بیش از ۹۰ درصد از نیازهای کاربران خود را



اندازه‌گیری میزان افت تحصیلی دانش‌آموزان در دوران آموزش مجازی است.

تأثیر جنسیت

بر اساس آمارهای رسمی اعلام‌شده، در میان دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، تعداد دختران بسیار بیشتر از پسران بوده است [https://www.sid.ir/fa/journal]. این آمار در دوره متوسطه دوم بسیار بیشتر است. دلیل این اختلاف معنادار در ارقام را مسائل فرهنگی و تعصبات خانوادگی می‌دانند. در خوزستان نیز آمار دختران بازمانده از تحصیل بسیار بالاست، اما استاندار و دولت به‌منظور رسیدگی به این مسئله اعتباراتی در نظر گرفته‌اند و چندین دستگاه دیگر در راستای شناسایی و بازگرداندن محصلان بازمانده از تحصیل به ما کمک می‌کنند. آمار نیم‌درصد غیرواقعی است و بدون شک ترک تحصیل دختران با استناد به آمار منتشرشده توسط آموزش و پرورش استان‌ها بیش از پسران است. در اغلب موارد، آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش یا نوع استخدام معلمان هم مانع از ادامه تحصیل دختران می‌شود. در سال گذشته روستای قبله کوه‌دشت، دلیل ترک تحصیل ۱۴ دانش‌آموز دختر را نبود معلم برای دختران و مدرسه برای آن‌ها عنوان کرد.

توسعه‌یافتگی

ترک تحصیل در دوره ابتدایی، به‌ویژه برای دختران عشایری، از دیگر مسائل نگران‌کننده است که از علل آن می‌توان به استفاده از دختران به‌عنوان نیروی کمکی برای خانواده‌ها و ازدواج زودرس آن‌ها اشاره کرد. البته در کنار فقر فرهنگی، کمبود امکانات و فضای آموزشی نیز از موارد تأثیرگذار در این موضوع به شمار می‌روند. از جمله اقداماتی که در راستای ارتقای عدالت آموزشی برای دانش‌آموزان عشایری صورت گرفته است می‌توان به تصویب اساسنامه مدرسه‌های عشایری، تصویب آیین‌نامه کلاس‌های چندپایه و تفاهم‌نامه تقسیم کار ملی

تأمین کند. متأسفانه سامانه شاد این گونه نیست. بنابراین برای حل مشکل آن لازم است این سامانه تقویت شود. مشاهدات و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که ایران در بحث روند آموزشی از قبل افت تحصیلی داشته است و با چنین وضعیتی از آموزش حضوری وارد آموزش مجازی شده‌ایم. متأسفانه این آموزش مجازی را هم با سامانه‌ای پیش می‌بریم که نیاز کاربران خود را رفع نمی‌کند [غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۷۷ و بخشی پورمهاجر بعد، ۱۴۰۰: ۲۷۳-۲۴۸].

علل ترک تحصیل

بر خلاف تصور بسیاری که می‌گویند با حضوری شدن آموزش‌ها افت‌های تحصیلی به وجود آمده جبران می‌شود، شواهد بین‌المللی نشان می‌دهند که افت‌های تحصیلی به این شکل عمدتاً پایدار هستند و قابل جبران نیستند. ایران جزو آن دسته از کشورهای بود که در دوران همه‌گیری کرونا مدرسه‌هایشان به‌طور مداوم تعطیل بود؛ در صورتی که به‌طور میانگین متوسط تعطیلی مدرسه‌ها در کشورهای دیگر ۵۳ روز بود. حتی بعضی از کشورها در دوران همه‌گیری کرونا مدرسه‌های پیش‌دبستانی و دبستان را تعطیل نکردند؛ به دلیل اینکه مشخص شده بود انتشار بیماری در این گروه سنی کمتر است [حاجی‌زاده عزیزی و کیهان، ۱۴۰۰: ۲۰۴-۱۷۴]. یکی از مهم‌ترین کارهایی که باید بعد از حضوری شدن مدرسه‌ها انجام شود،



نتیجه‌گیری

نظام آموزشی کشور با نقص‌های جدی بسیاری به‌ویژه برای مدرسه‌های روستایی و عشایری مواجه است. بیشترین آمار ترک تحصیل در ایران نیز مربوط به مناطق محروم و عشایری است که هرساله بیشتر می‌شود. بنابراین وزارت آموزش و پرورش باید به‌جای پررنگ کردن علل بیرونی ذکر شده در متن، به دنبال راه‌حلی مناسب و کاربردی برای این موضوع باشد. نکته درخور توجه دیگری که در گزارش‌های بین‌المللی نیز به آن اشاره شده، این است که تعطیلی مدرسه‌ها به اضافه شدن مسئولیت یادگیری و آموزش کودکان، به‌ویژه کودکان کم‌سن، به سایر مسئولیت‌های والدین و مراقبان منجر شده است؛ آن‌هم در شرایطی که در بخشی از خانواده‌ها مسئولیت مراقبت از کودکان به مسئولیت‌های آن‌ها هم‌زمان با ادامه اشتغالشان اضافه شده است.

منابع

۱. قدسی، ع. و زینال‌فام، ا. (۱۳۹۱). «عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹». نشریه آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، شماره ۱۷. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۳۰۳۷۷۷>.
۲. غلام‌پور، م و آیتی، م (۱۳۹۸). «روایت‌پژوهی ترک تحصیل دانش‌آموز دختر روستایی». پژوهشنامه زنان. شماره ۳۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۴۵۱۶۴>.
۳. بخشی‌پور، ا و مهاجرپور، ز (۱۴۰۰). «تحلیل پدیدارشناسانه ادراک و تجربه زیسته دانش‌آموزان رشته فتوگرافیک از نقاط ضعف و قوت آموزش غیرحضوری در پاندمی کرونا» (تدریس پژوهی).
۴. حاجی‌زاده، ا؛ عزیزی، ق؛ کیهان، ج (۱۴۰۰). «تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا: رهیافت توسعه آموزش مجازی در پسا کرونا» (تدریس پژوهی).
۵. عارفی، م (۱۳۸۳). شناسایی متغیرهای اثرگذار بر ترک تحصیل زودهنگام دختران دوره راهنمایی تحصیلی. «زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)». <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۲۹۱۷>.
۶. سپیدنامه، ب؛ مؤمنی، ح؛ و سلیمان‌نژاد، م (۱۳۹۵). «شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی)». نشریه توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی). شماره ۸. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۶۷۸۱۸>.
۷. غلام‌پور، م، و آیتی، م (۱۳۹۸). «روایت پژوهی ترک تحصیل دانش‌آموز دختر روستایی. نشریه پژوهشنامه زنان. شماره ۱۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۴۵۱۶۴>.



اشاره کرد. در نظام آموزشی کشور به موضوع «عدالت آموزشی» به دفعات زیاد اشاره شده و پیگیری‌ها به‌منظور توسعه دفتر آموزشی و عشایری از دو سال قبل آغاز شده است. متأسفانه دختران عشایری بعد از به پایان رساندن دوره ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند که از مهم‌ترین دلایل بازماندگی از تحصیل دختران، نبود زیرساخت‌های لازم برای تحصیل آن‌هاست.

فقر مادی و فرهنگی

بحث کودکان جامانده از تحصیل را باید به‌عنوان اولویت دولت بدانیم تا شاهد کاهش مشکلات و اجرایی شدن عدالت آموزشی در کشور باشیم. یکی از الزامات عدالت آموزشی تأکید می‌کند، هیچ دانش‌آموزی از آموزش و تحصیل رایگان به هیچ دلیلی باز نماند. این موضوع بارها در مجلس مورد بررسی قرار گرفته و در قانون اساسی عنوان شده است. فقر مادی و معنوی دو عامل اصلی جاماندن کودکان از تحصیل است؛ هر چند تعداد آن‌ها در سال‌های اخیر بسیار کاهش یافته است. بازماندن کودکان از تحصیل یعنی از بین رفتن سرمایه اجتماعی کشور که با بی‌توجهی شدت می‌گیرد [عارفی، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۴۷]. متولی اصلی پیگیری، حمایت و بازگرداندن این کودکان به کانون آموزش، وزارت آموزش و پرورش است. در این میان سازمان‌ها و نهادهای مسئول دیگر مثل کمیته امداد و بهزیستی بی‌تأثیر نیستند [سپیدنامه، مؤمنی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۶۷].



نقش کلاس‌های موضوعی در بهبود کیفیت آموزش

بهروز انصاری

عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های مطالعات اجتماعی

اشاره

نادیده گرفتن تأثیر عمیق و چشمگیر رشد سریع و شتابان فناوری بر جوامع بشری امری ناممکن است. امروزه، گسترش سریع و شگفت‌آور فناوری‌های جدید، بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را متحول کرده است که از آن جمله می‌توان به تغییرات ایجاد شده در روش‌های برقراری ارتباطات اجتماعی، اقتصاد و تجارت اشاره کرد. در این زمینه، تأثیر پیشرفت فناوری در بخش آموزش و پرورش و دگرگونی‌های حاصل از آن در فرایند یاددهی-یادگیری بسیار قابل توجه بوده است.

در حال حاضر، مهارت‌های جدید مورد نیاز محیط کار، توجه به کاربرد فناوری در مدرسه‌ها و کلاس‌های درس را ضروری کرده است. این امر در عمل، ساختار سنتی، و فراتر از آن، فرهنگ موجود مدرسه‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. نفوذ فناوری‌های جدید اطلاعاتی در عصر دانایی به مؤسسه‌های آموزشی، خانه‌ها و به‌خصوص مدرسه‌ها، تعامل میان معلم و شاگرد را متحول کرده است. سیر تکوینی تعلیم و تربیت در جهت حرکت می‌کند که دیگر اکتفا کردن به وسایل و ابزارهای سنتی جواب‌گو و بسنده نیست. ارتباط‌های آموزشی، فرامرزی و جهانی شده‌اند. وجود شبکه‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی، لزوم بهره‌گیری از فناوری جدید را مسلم می‌کند. بنابراین، معلمان باید بکوشند تا سرحد امکان از فناوری جدید بهره‌جویند.

کلیدواژه‌ها: کلاس موضوعی، روش تدریس، یادگیری، آموزش، فناوری اطلاعات

مقدمه

چنانچه بخواهیم دانش‌آموزان به برداشت و درکی صحیح از مطالبی برسند که از طریق رسانه آموزشی دریافت می‌کنند و خود به یادگیرندگان مستقل و خودرهبر تبدیل شوند، باید برنامه‌درسی را متحول سازیم و استفاده از رسانه‌ها را بر محور تفکر و تحقیق بنا کنیم. این نکته در شرایط کنونی به دلیل انفجار اطلاعات و کمبود فرصت معلمان برای کسب همه اطلاعات لازم در حوزه تخصصی خویش، از اهمیتی دوچندان

برخوردار است. بنابراین در عصر حاضر منظور از کاربرد رسانه‌ها در آموزش نمی‌تواند انتقال واقعیت‌های علمی باشد، بلکه معلمان باید به کمک این ابزار موقعیت مطلوب یادگیری را فراهم کنند؛ به گونه‌ای که چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به دانش‌آموزان بیاموزند.

در حال حاضر، تربیت به سمت وسویی می‌رود که به‌زودی با معلمان شبیه‌سازی شده در مدرسه‌ها مواجه خواهیم بود. اکثر یادگیری‌ها به کمک نرم‌افزارهای هوشمندی صورت می‌گیرند که نقش معلم را بازی می‌کنند. معلمان واقعی در کنار بچه‌ها قرار نخواهند داشت و دیگر مرجع یادگیری و دانش نیستند، بلکه در مقام مشاور عمل می‌کنند. دانش‌آموزان به دنبال کسب نظریه‌ها هستند و شکلی از اجتماعی شدن را تجربه می‌کنند. این تجربه ورای موقعیت جغرافیایی و فیزیکی آن‌هاست.

اهمیت آموزش در کلاس‌های موضوعی

فضاسازی مکان‌های آموزشی، به لحاظ اینکه بر یادگیری تأثیر می‌گذارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. در مدرسه‌ها و آموزشگاه‌ها، چنانچه بتوان با آرایش خاصی، کلاس‌های گوناگونی را برای درس‌های خاص فضاسازی کرد، تمرکز ذهنی و تقویت مفاهیم اساسی آن درس‌ها در ذهن دانش‌آموزان بهتر صورت می‌گیرد. پیشنهاد تشکیل کلاس‌های موضوعی در مدرسه‌ها و بیان ویژگی‌های آن‌ها بر همین اساس است که با تلاش دبیران و حمایت عوامل دیگر قابل اجراست. از این امکان می‌توان علاوه بر اجرای تدریس به‌صورت گروهی، برای رسم نقشه و کارهای ترسیمی، استفاده از اینترنت، برپایی نمایشگاه‌ها، برگزاری جلسه‌های سخنرانی، انجام بحث‌های علمی، نمایش، انجام آزمایش‌ها، نمایش فیلم‌های جهان‌شناسی و غیره بهره برد.

از آنجا که فضاسازی مناسب در یک کلاس می‌تواند در یادگیری مؤثر باشد، تناسب موضوع آموزش با محیط آموزش (کلاس) نکته مهمی است. امروزه در برخی از آموزشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته، با توجه به گوناگونی درس‌های علمی، فضای مناسبی طراحی شده است و این دانش‌آموزان هستند که با حضور در



وعده‌های مدرسه‌های موضوع محور

۱. کلاس دانش آموز محور که در آن رایانه آموزش را با نیازهای فردی هر یادگیرنده سازگار می‌کند، جایگزین کلاس معلم محور می‌شود.

۲. مدرسه‌ای که در آن دانش آموزان گیرنده منفعل اطلاعات نیستند و فناوری به آن‌ها امکان می‌دهد در ساخت دانش به‌طور فعال مشارکت کنند. با دستیابی به منابع عظیم دانش از اقصانقاط جهان، دانش آموزان پرسش‌هایی را در زمینه موردنظرشان طرح می‌کنند و با همکاری دانش آموزان سرزمین‌های دورتر به جست‌وجوی پاسخ می‌پردازند.

۳. مدرسه‌ای که در آن از دستیابی به مهارت‌ها غفلت نمی‌شود، برنامه‌های چندرسانه‌ای قابل انطباق با شیوه یادگیری هر دانش آموز موجود است، شیوه‌های خسته‌کننده تمرین و تکرار جای خود را به شیوه‌های یادگیری فردی می‌دهند و فعالیت‌های توسعه مهارت بر مبنای علاقه گسترش می‌یابند. کتاب‌های ثابت کنار می‌روند و منابع یادگیری پویا و روزآمد جای آن‌ها را می‌گیرند.

۴. معلمان نیز در کنار دانش آموزان یاد می‌گیرند و به‌جای ارائه یک‌طرفه آموزش، نقش تسهیل‌کننده را در خودآموزی دانش آموزان بر عهده می‌گیرند. در ارزیابی نیز عواملی چون مهارت‌ها، توانایی حل مسئله و اشتیاق به یافته‌های علمی و دانش مدنظر قرار می‌گیرند (ویلیام فلام، ۲۰۰۴).

مکان‌های مختلف، مواد درسی متفاوتی را در آزمایشگاه، کارگاه، مکان ورزشی، کتابخانه، تالار نمایش (آمفی تئاتر)، و یا محیط خارج از مدرسه فرامی‌گیرند. در هر یک از این مکان‌ها، مجموعه‌ای از تصویرهای آموزشی، ابزار متناسب با یک رشته علمی، مدل‌ها، کتاب‌ها و مجله‌های مربوط گردآوری و به کمک آن‌ها، فضای کلاس آراسته شده است. اهمیت تدریس در فضایی همسو، با ماده درسی دارای این مزایاست:

- استقرار دانش آموزان در فضای متناسب با موضوع درس، از پراکندگی ذهنی دانش آموز در طول تدریس می‌کاهد.
- دانش آموزان از طریق آموزش‌های دیداری جنبی، سریع‌تر و عمیق‌تر به مفاهیم و هدف‌های آموزشی دست می‌یابند.
- فضای مناسب آموزشی ناخودآگاه زمینه تفکر، اندیشه و گفت‌وگوهای هدایت‌شده متناسب با هدف‌های آموزشی را فراهم می‌آورد و تقویت می‌کند.
- دانش آموزان در امر یادگیری فعال می‌شوند.
- به کار دانش آموزان (ساخت وسایل یا کار با محتوای الکترونیکی) ارج نهاده می‌شود.
- دانش آموزان با وسایل کمک آموزشی آشنا می‌شوند.
- خلاقیت و ابتکار دانش آموزان تقویت می‌شود.
- سطح علمی معلمان ارتقا می‌یابد.
- درس‌ها کاربردی می‌شوند.
- محیط یادگیری فنی و تخصصی می‌شود.

- زمینه‌ای فراهم کنند که دانش‌آموزان بتوانند توانایی بالقوه خود را بروز دهند.

نتیجه‌گیری

معلم آگاه، قبل از هر نوع آموزش، باید چارچوب کار خود را براساس یک سلسله اصول شناخته‌شده تربیتی بنا نهد و با رویکردی منطقی، باثبات و جامع، بداند که یادگیرندگان چگونه یاد می‌گیرند و او چگونه می‌تواند با مهارت، یادگیری آن‌ها را هدایت و تسهیل کند. به عبارت دیگر، باید اصول و نظریه‌های یادگیری را به‌خوبی بشناسد. معلم باید در شناخت این اصول و نظریه‌ها رویه‌ای پویا و همیشه در حال پیشرفت داشته باشد و پیوسته خود را در جریان اطلاعات، ارتباطات و یافته‌های علمی قرار دهد.

بخش دیگری از ساخت چارچوب، شناخت دقیق یادگیرندگان است و اینکه آن‌ها دارای چه ویژگی‌هایی هستند، چقدر از پیش‌نیازهای لازم برای هر نوع یادگیری را دارند، و سطح انگیزش و رغبت آن‌ها برای آموختن موضوعی خاص چیست؟ معلم بدون داشتن اطلاعات یادشده نمی‌تواند فنون خاصی را برای آموزش برگزیند.

اما اکنون که ما در عصر گسترش علوم و انفجار اطلاعات قرار گرفته‌ایم و هر لحظه بر حجم آن‌ها افزوده می‌شود، چگونه بدون مهارت می‌توانیم به آموزش حتی بخش کوچکی از این علوم بپردازیم؟ علاوه بر آن، چگونه می‌توانیم کودک را از دسترسی به اطلاعات نادرست دور کنیم و به او بیاموزیم که خود نیز به تولید و ارائه اطلاعات جدید بپردازد؟ به نظر می‌رسد چاره کار، آوردن فناوری جدید به کلاس‌های درس و مجهز کردن معلمان به انواع مهارت‌هاست.

منابع

۱. لنگرانی دستجردی، مهناز (۱۳۸۲). آموزش و پرورش در آستانه هزاره سوم. [بی‌نا]. [بی‌جا].
۲. یغما، عادل (۱۳۸۰). «پایه فکری تحول در آموزش». مجله رشد تکنولوژی آموزشی. شماره ۱۴۰.
۳. یادگارزاده، غلامرضا (۱۳۷۸)، «روش‌های فعال تدریس، ضرورت‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌ها». مجله رشد تکنولوژی آموزشی.
۴. امام جمعه کاشان، طبیبه (۱۳۸۲). «آموزش و پرورش در عصر ارتباطات». مجله رشد تکنولوژی آموزشی. شماره ۱۵۱.
۵. جاریانی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). «ICT و تغییرات عمده آموزشی». مجله رشد تکنولوژی آموزشی. شماره ۱۵۰.
۶. دیویی، جان (۱۳۶۹). تجربه و آموزش و پرورش. ترجمه علی‌اکبر میرحسینی. مرکز ترجمه و نشر. تهران.
۷. هنفین، رابرت و ساوینی، ویلهامینا سی (۱۳۷۵). کاربرد تکنولوژی در کلاس درس. ترجمه توحید صیامی. [بی‌نا]. [بی‌جا].
۸. سیادت، سیدعلی و عصارزادگان، نرگس (۱۳۸۳). ده درس برای آموزش و پرورش فناوری اطلاعات و ارتباطات. [بی‌نا]. [بی‌جا].



۵. مهارت‌های حرفه‌ای معلمان تقویت می‌شود و از این طریق منابع انسانی توسعه می‌یابند.
۶. زمینه‌های مناسب برای آنکه معلمان و دانش‌آموزان خلاق و نوآور شوند، فراهم می‌آید.
۷. فرهنگ استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات بین معلمان و دانش‌آموزان توسعه و گسترش می‌یابد.
۸. زمینه‌های لازم برای تحقق ارکان چهارگانه یادگیری به شرح زیر فراهم می‌شود:

- یادگیری برای یادگرفتن؛
- یادگیری برای عمل کردن؛
- یادگیری برای زندگی در کنار هم و با هم؛
- یادگیری برای بودن.

پیشنهادهای

- پیشنهاد می‌کنیم معلمان:
- خیلی سریع خود را با روش‌های نوین آموزشی و استفاده از نرم‌افزارهای جدید منطبق کنند.
- بر اعتماد به نفس دانش‌آموزان خود بیفزایند.
- استفاده از روش‌های فردی و گروهی را در دستور کار خود قرار دهند.
- از تحقیقات انجام‌شده در برنامه کاری خود استفاده کنند.
- سطح دینی و فرهنگی دانش‌آموزان را ارتقا دهند.

توصیه‌هایی به معلمان و دانش‌آموزان برای تشخیص اخبار جعلی در رسانه‌های اجتماعی



سید غلامرضا فلسفی
کارشناس سواد رسانه‌ای و سواد خبری

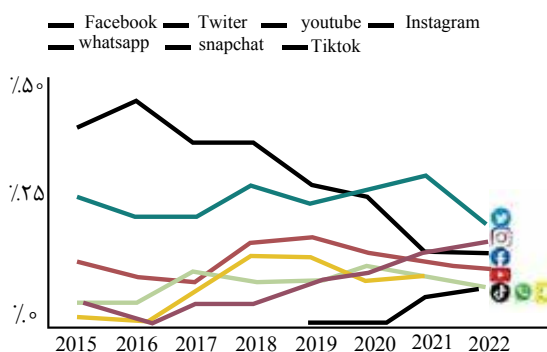
ایشا باک^۲، مدیر برنامه‌های آموزشی در «کامن سنس مدیا»^۳، به دانش‌آموزان پایه‌های اول تا دوازدهم و معلمان آن‌ها توصیه می‌کند: عکس‌ها و فیلم‌هایی را که در رسانه‌های اجتماعی می‌بینند، با در نظر گرفتن این پرسش‌ها منتقدانه بررسی کنند:

۱. چرا مطالعه این محتوا به من پیشنهاد می‌شود و «الگوریتم»^۴ رسانه‌های اجتماعی چگونه کار می‌کند؟

مخاطب شبکه‌ای در رسانه‌های اجتماعی به سهولت به «اتاق پژواک»^۵ می‌آید و هر لحظه بیش‌ازپیش به سمت محتوای افراط‌گرایانه یا پرحاشیه هدایت می‌شود. آگاهی از شیوه کارکرد الگوریتم‌ها در پس پرده رسانه‌های اجتماعی، شما را به مصرف‌کننده‌ای منتقد نسبت به محتوا بدل می‌کند. در مورد الگوریتم تیک‌تاک برای مثال، هر چه بیشتر یک فیلم را برای مشخص کردن واقعی یا جعلی بودنش پخش کنید، نرم‌افزار

راهبردهای فراوانی برای شناسایی اخبار جعلی مکتوب وجود دارند، اما نوجوانان و جوانان بیشتر اخبار خود را از رسانه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند. برای مثال آن‌ها جنگ روسیه با اوکراین را بیشتر از طریق وبگاه «تیک‌تاک»^۱ دنبال می‌کنند. این در حالی است که ارائه توصیه‌های مشخص برای شناسایی عکس و فیلم جعلی در رسانه‌های اجتماعی دشوارتر است. تیک‌تاک بیشترین رشد را بین نرم‌افزارهای کاربردی برای کسب خبر داشته است (نمودار از مؤسسه رویترز).

PROPORTION OF 18-24s WHO USED EACH SOCIAL NETWORK FOR NEWS IN THE PAST WEEK-UK



غبار اخبار جعلی بر
سپهر رسانه‌ای

مذکور برای جلب توجهتان مشابه همان محتوا را بیشتر به شما پیشنهاد و ارائه می‌کند.

۲. چرا این محتوا برایم جذاب است؟

احساسات خود را مهار کنید و اجازه ندهید عواطفتان مانع راستی‌آزمایی محتوا شود. «تله کلیک»^۶ و اخبار جعلی برای برانگیختن احساسات و سپس به واکنش‌آداشتن شما در تلاش‌اند، چراکه احتمال مداومت در به اشتراک گذاشتن محتوایی که ناراحتی یا خشم مخاطب شبکه‌ای را برمی‌انگیزد، به مراتب بیشتر است. یک فیلم یا عکس جعلی حتی اگر بی‌ضرر به نظر رسد، همچنان مهم است که از به اشتراک گذاشتنش به جد پرهیز شود.

۳. چه انگیزه‌ای سبب ساز به اشتراک گذاشتن این محتوا شده است؟

جوابا شوید که آیا در پس آن شخص یا منبع، انگیزه‌ای پنهان برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات وجود دارد؟ آیا آن فرد یا منبع به‌واقع درصدد ارائه اطلاعات به شماست یا سعی می‌کند که اطلاعاتی مضر را با شما به اشتراک بگذارد؟ آیا انگیزه‌ای احتمالی درباره به اشتراک گذاشتن این اطلاعات وجود دارد که از دید شما پنهان است؟

۴. آیا می‌توانم اطلاعات را تأیید کنم؟

این امکان از طریق جست‌وجوی معکوس عکس و فیلم در «گوگل»^۷ یا بررسی و مطابقت محتوا با گزارش‌هایی که روی خروجی رسانه‌های خبری «جریان اصلی»^۸ قرار گرفته، میسر است. همچنین مهم است به خاطر بسپارید که در موقعیت‌های مواجهه با «خبر فوری»^۹، نظر به احتمال نادرستی گزارش‌های اولیه، بی‌اطمینانی فراوان نسبت به صحت این دسته از اخبار و گزارش‌ها وجود دارد.

۵. این محتوا راوی يك توطئه واقعی است یا توهم توطئه؟

توطئه‌ها رویدادهایی واقعی‌اند و اتفاق می‌افتند، اما بین توطئه تأییدشده و توهم توطئه تفاوت وجود دارد، مبنی بر اینکه برای اثبات یک توطئه واقعی شواهد و قرائن بین وجود دارد (برای مثال، اسنادی که افشا می‌شوند و نقش عوامل الف، ب، پ و ... را نشان می‌دهند). درحالی‌که توهم توطئه رویدادهایی اثبات‌نشده و فاقد اسناد معتبر و مشروع است.

پی‌نوشت‌ها

1. www.tiktok.com
2. Eisha Buch
3. www.commonssensemedia.org
۴. Algorithm به گام‌های متوالی با تعریف و همچنین تقدم و تأخر مشخص گفته می‌شود که از نقطه‌ای آغاز و در نقطه‌ای به پایان می‌رسند و ممکن است چندین و چند بار تکرار شوند.
۵. Echo Chamber به دسته‌ای از محتوا در رسانه‌ها و وبگاه شبکه‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که به سبب همسو بودن با باور مخاطب شبکه‌ای و تکرار آن در این رسانه‌ها، به باوری عمومی تبدیل می‌شوند.
۶. Clickbait به محتوایی اطلاق می‌شود که هدف اصلی آن فریب مخاطب شبکه‌ای برای هدایت وی به صفحه‌ای خاص از وب برای مشاهده تبلیغات یا فیلم است.
7. https://images.google.com
۸. لفظی است کلی که به رسانه‌های گروهی بزرگی اشاره می‌کند که تعدادی زیاد از مردم را تحت تأثیر قرار داده، ضمن بازتاب جریان‌های فکری رایج به آن‌ها شکل نیز می‌دهند.
۹. به خبری ضروری گفته می‌شود که به علت اهمیت آن جریان عادی اخبار متوقف‌شده و خبر مذکور منتشر می‌شود.
10. conspiracy theory

منبع

۱. این نوشتار برگردان یادداشتی است با عنوان: What's Fake on Social Media? 5 Questions for Teachers and Students to Ask

که در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ منتشر شده است.

راهکارهایی برای رشد

هویت در نوجوانان

محدثه صفاریه

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی

اشاره

رشد هویت مرحله‌ای از چرخه زندگی نوجوانان است. جست‌وجوی هویت در سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و نوجوانان چندین هویت را طی می‌کنند تا هویتی را که مناسب‌تر است بیابند. حفظ و توسعه هویت در سنین نوجوانی، به دلیل عوامل متعددی مانند زندگی خانوادگی، محیط و موقعیت اجتماعی، کاری دشوار است. از این رو، آگاهی و به‌کارگیری راهکارهایی که به رشد هویت می‌انجامند، پله‌های ترقی نوجوان به سمت دست‌یافتن به شخصیتی یکپارچه محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: هویت، دوره نوجوانی، توسعه مادام‌العمر، بحران هنجاری

مقدمه

تشکیل هویتی منسجم که پایه‌ای محکم برای بزرگسالی ایجاد کند، یکی از دغدغه‌های اصلی دوره نوجوانی است. هویت پدیده‌ای پیچیده است (عباسی، ۲۰۱۶: ۸۱-۱۰۳) و به‌عنوان احساسات فرد در مورد خود، شخصیت و اهداف و خاستگاه‌هایش تعریف می‌شود (فیرون، ۱۹۹۰). **اریکسون** از جمله اولین نظریه‌پردازانی بود که مفاهیم مهم مربوط به هویت را در دوره نوجوانی معرفی و تشریح کرد. به عقیده او، احساس هویت هرگز به‌طور کامل در یک مرحله از زندگی فردی به دست نمی‌آید. بلکه «به‌طور مداوم از دست می‌رود و دوباره به دست می‌آید». در واقع یک توسعه مادام‌العمر است.

با این حال، شکل‌گیری هویت را می‌توان به‌عنوان «بحران هنجاری» در نوجوانی به‌دلیل ایجاد پیش‌نیازهای رشد کاراندازشناختی (فیزبولوژیکی)، بلوغ ذهنی و مسئولیت اجتماعی برای تجربه و عبور از بحران هویت در نظر گرفت. اریکسون در برداشت خود از هویت، نقش مهمی را برای «بافت اجتماعی» در نظر گرفت. به عقیده وی،

هویت از تلاقی و ارتباط متقابل سه عنصر شکل می‌گیرد:

۱. ویژگی‌های زیستی فرد؛
 ۲. نیازهای روانی؛
 ۳. زمینه اجتماعی و فرهنگی (عباسی، ۲۰۱۶: ۸۱-۱۰۳).
- اریکسون نوجوانانی را که دچار بحران هویت می‌شوند، به‌عنوان افراد سردرگم توصیف می‌کند. چنین افرادی نمی‌دانند چه کسی هستند، به کجا تعلق دارند یا به کجا می‌خواهند بروند. آن‌ها ممکن است از زندگی عادی کناره‌گیری کنند و حتی ممکن است به فعالیت‌های منفی، مانند مصرف مواد مخدر، به‌عنوان روشی برای مقابله با بحران هویت، روی آورند. نوجوانان غالباً با اختلافات بین خود ایده‌آل، خود واقعی، خود ادراک‌شده و یا به عبارتی دیگر، ناسازگاری بین هویت‌های شخصی و اجتماعی مواجه می‌شوند. چنین اختلافاتی نوجوانان را در معرض خطرات روانی-اجتماعی فزاینده‌ای مانند مشکلات عاطفی و رفتاری قرار می‌دهند. با شناسایی حس هویت آن‌ها می‌توان گام‌هایی را برای کاهش تناقضات آزاردهنده، تقویت وضوح هویت و تعهد و حتی ارتقای ارزش شخصی برداشت (اوفول، ۲۰۱۷: ۵۲۱-۴۹۷).



برخی نظریه‌های مربوط به هویت و انواع هویت

هویت در مقابل سردرگمی نقش: اریکسون معتقد بود که وظیفه اولیه نوجوان در بعد روانی-اجتماعی ایجاد هویت است. همان‌طور که تفکر عملیاتی رسمی آشکار می‌شود و همراه با خود، خودآگاهی نوجوان و توانایی تفکر در مورد ویژگی‌ها و رفتارها را به همراه می‌آورد، نوجوانان غالباً با این سؤال دست‌وپنجه نرم می‌کنند که: «من کیستم؟» این امر شامل سؤال‌هایی در مورد ظاهر، انتخاب‌های شغلی، تحصیلات، روابط، تمایلات جنسی، دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، شخصیت و علاقه‌های آن‌ها نیز می‌شود. اریکسون این دوره را دوره اطمینان‌نداشتن، سردرگمی، کاوش، آزمایش و یادگیری در مورد هویت و مسیر زندگی فرد می‌داند. نقطه اوج این کاوش، نگاه منسجم‌تر به خود است. کسانی که در گذر از این مرحله ناموفق هستند، ممکن است به انزوای اجتماعی روی آورند یا در میان جمعیت گم شوند.

کاوش و تعهد: جیمز مارسیا (۲۰۱۰)، با بسط نظریه اریکسون، دو فرایند کلیدی توسعه هویت را شناسایی کرد: کاوش و تعهد. منظور او از «کاوش» فرایندهایی بود که جوانان از طریق آن‌ها جنبه‌های متفاوت هویت خود را امتحان می‌کنند و انواع نگرش‌ها، نگاه‌ها، فعالیت‌ها، دوستان، موضوع‌های مدرسه و سرگرمی‌ها را می‌آزمایند. «تعهد» به تثبیت و پذیرش آن

چیزی که واقعاً هستند اشاره دارد. مارسیا چهار وضعیت هویتی را شناسایی کرد که نشان‌دهنده چهار ترکیب احتمالی از ابعاد تعهد و اکتشاف است. **اشاعه هویت:** افرادی که نه گزینه‌های خود را بررسی کرده‌اند و نه به یک هویت متعهد شده‌اند، کسانی که در طول دوران نوجوانی و جوانی روی هویت معینی پافشاری نکرده‌اند، اساساً رشد حیاتی را، یعنی دست‌وپنجه نرم کردن با آنچه هستند و می‌خواهند تبدیل شوند، بر عهده نگرفته‌اند. بنابراین بدون ارتباط با اطرافیان خود بی‌هدف حرکت می‌کنند و هدف خاصی در زندگی خود ندارند.

سلب هویت: بدون اینکه گزینه‌ها را بررسی کرده باشند، به یک هویت متعهد شده‌اند. برخی از والدین ممکن است تصمیماتی را برای فرزندان خود بگیرند و به نوجوان خود فرصت مشارکت در انتخاب‌ها را ندهند. در موارد دیگر، نوجوانان ممکن است به‌شدت با والدین و دیگران در زندگی خود هم‌ذات‌پنداری کنند و بخواهند راه آن‌ها را پی بگیرند. مشکلات احتمالی مربوط به سلب هویت دوگانه‌اند: از یک‌سو، بدون اکتشاف فعال، نوجوان یا





جوان ممکن است فرصت شناخت واقعی خود را از دست بدهد. از سوی دیگر، حتی اگر هویتی که به آن متعهد هستند معتبر باشد، تعهد آن‌ها ممکن است آن قدر قوی یا بادوام نباشد.

تعلیق هویت: کسانی را توصیف می‌کند که در تلاش برای ساختن هویت هستند، اما هنوز هیچ تعهدی ندارند. این امر می‌تواند از نظر عاطفی پرتنش باشد. زیرا نوجوان نقش‌های متفاوتی را می‌آزماید و باورهای مختلفی را کشف می‌کند. هیچ چیز قطعی نیست و سؤال‌های زیادی مطرح هستند، اما پاسخ‌های کمی وجود دارند. برای بسیاری از نوجوانان، جنبه‌های هویت آن‌ها توسط شرکای اجتماعی قابل قبول نیست و این ناهماهنگی‌ها می‌تواند دوره توقف جنبه‌های خاصی از رشد هویت را طولانی کند.

دست‌یافته به هویت: به کسانی اطلاق می‌شود که پس از اکتشاف هویت تعهد کرده‌اند. این گونه دستیابی فرایندی طولانی است و معمولاً تا پایان نوجوانی به دست نمی‌آید.

جنبه‌های گوناگون هویت

هویت قومی-نژادی: به این امر اشاره دارد که چگونه مردم بر اساس اصل و نسب قومی و/یا نژادی خود، با هویتشان کنار می‌آیند. وظیفه شکل‌گیری هویت قومی شامل تفکیک و حل و فصل احساسات و نگرش‌های مثبت و منفی نسبت به گروه قومی خود و سایر گروه‌ها و شناسایی جایگاه خود در رابطه با هر قوم و نژاد است.

هویت فرهنگی / دوفرهنگی / چند نژادی: اقلیت‌های قومی باید با این پرسش دست‌وپنجه نرم کنند که چگونه و تا چه اندازه با فرهنگ خانواده خود و با فرهنگ حاکم بر جامعه اطراف هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. **فینی (۲۰۰۶)** بیان می‌دارد که افراد ممکن است این مذاکره را به روش‌های مختلف مدیریت کنند: برخی ممکن است این هویت‌ها را از هم جدا نگه دارند، برخی دیگر ممکن است آن‌ها را به نوعی ترکیب کنند، در حالی

که برخی دیگر ممکن است آن‌ها را رد کنند.

هویت جنسیتی: نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به جنسیت را شامل می‌شود.

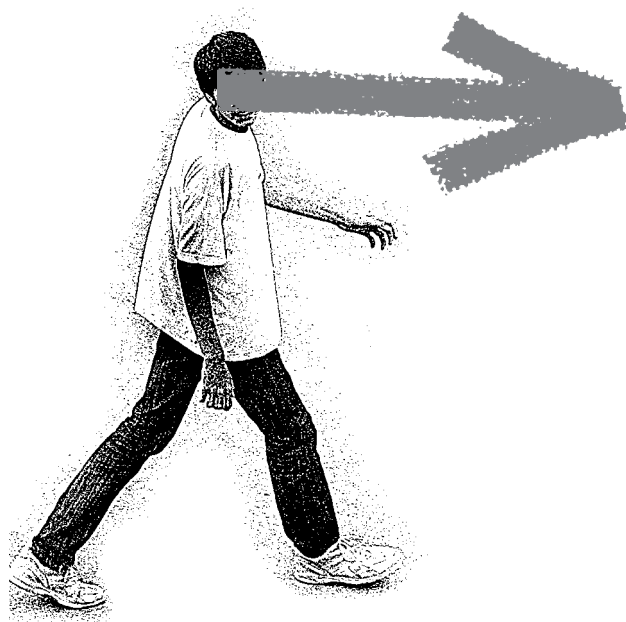
هویت جنسی: طبق گفته **کارول (۲۰۱۶)**، تا سن ۱۴ سالگی اکثر نوجوانان به روابط صمیمانه علاقه‌مند می‌شوند.

هویت شغلی: این هویت ممکن است چندین بار در طول عمر دوباره مورد مذاکره قرار گیرد.

هویت دینی: نوجوانان ممکن است به‌طور هنجاری درباره مشارکت خود در اعمال مذهبی سؤال‌اتی داشته باشند. بیشتر نوجوانان در نهایت آن‌گونه دیدگاه‌های مذهبی را اتخاذ می‌کنند که شبیه دیدگاه‌های خانواده‌شان است.

هویت سیاسی: ایدئولوژی سیاسی نوجوانان نیز بیشتر تحت تأثیر باورهای سیاسی والدین آن‌هاست.

هویت منفی: هویت منفی پذیرش هنجارها و ارزش‌هایی است که مخالف خانواده و فرهنگ فرد است و یکی از مشکل‌سازترین پیامدهای توسعه هویت در جوانان است. علاوه بر این، کسانی که هویت منفی دارند، معمولاً نسبت به جامعه دارای دیدگاهی خصمانه و بدبین هستند؛ غالباً به این دلیل که به دنیای اطراف خود بی‌اعتمادند. چنین باورهایی ممکن است نوجوانان را به رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه سوق دهد و آن‌ها را از انجام اقدامات مثبت اجتماعی که می‌تواند برای جامعه مفید باشد، باز دارد.



راهکارهای توسعه و رشد هویت عوامل تأثیرگذار بر رشد هویت و راهکارهای تقویت آن



عوامل تأثیرگذار بر رشد هویت و راهکارهای تقویت آن

عوامل	راهکار
آگاه‌سازی و آموزش والدین	آگاهی والدین در مورد: ۱. تغییرات دوران نوجوانی ۲. نبود تبعیض بین کودکان ۳. استفاده از کنترل داخلی به جای کنترل خارجی ۴. تربیت جنسی از دوران کودکی آموزش خانواده‌ها به نوجوانان: ۱. مسئولیت‌پذیری و استقلال را به نوجوان بیاموزید ۲. نقش‌ها و مسئولیت‌ها را در خانواده مشخص کنید ۳. سبک فرزندپروری مقتدرانه مناسب‌ترین سبک برای رشد هویت است
بهبود ارتباطات با نوجوانان	۱. آموزش ارتباط مؤثر با درک ویژگی‌های نوجوانان ۲. آموزش ابراز عشق و محبت ۳. مشورت با نوجوانان
اطلاع‌رسانی به نوجوانان	۱. کمک به نوجوانان برای شناخت توانایی‌ها و قابلیت‌های خود ۲. آشنایی با تغییرات بلوغ ۳. درک خطرات هم‌سالان ناسالم
آموزش مهارت‌ها	۱. آموزش ارتباط مؤثر ۲. آموزش مدیریت هیجانات ۳. آموزش مهارت خشم
افزایش خودکارآمدی و عزت‌نفس در نوجوانان	۱. آموزش مهارت‌های فنی ۲. احترام به نوجوان ۳. توجه به تفاوت‌های فردی و تحقیر و مقایسه نکردن نوجوان ۴. قراردادن نوجوانان در گروه‌های اجتماعی و فرهنگی
غنی‌سازی و تجهیز مدارس	۱. ایجاد سالن‌های ورزشی، آزمایشگاه‌های معتبر و فعالیت‌های فوق برنامه. ۲. ایجاد محیط‌های متنوع و دادن حق انتخاب به نوجوان
آموزش نیروی کار در مدارس	۱. آموزش معلمان در زمینه رفتار نوجوانان ۲. آموزش معلمان در مورد انگیزه و تغییرات هویتی نوجوان
مشارکت نهادها	تعیین سهم نهادهای مؤثر، مانند فرهنگ و ارشاد، ورزش و جوانان
اهمیت هویت ملی و قومی در برنامه‌ها	۱. نبود تبعیض در مورد هویت ملی و قومی. ۲. قدردانی از ارزش‌های مطلوب در فیلم‌ها و سریال‌ها (سعادت‌مهر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۱).
غنی‌سازی محیط کلاس درس	تعدادی از راهکارهایی که می‌توان در محیط کلاس درس استفاده کرد عبارت‌اند از: ۱. ساخت فیلم‌نامه مصاحبه‌ای به نام «زندگی معنادار». از دانش‌آموزان بخواهید اسوهای (الگوی) را که از نظر آن‌ها زندگی معناداری دارد، شناسایی و تصور کنند که یک روزنامه‌نگار هستند و وظیفه آن‌ها مصاحبه با آن اسوه است. فهرستی از پرسش‌ها و پاسخ‌ها تهیه و در گروه‌های کوچک بحث کنند که: چه چیزی هر فرد را به یک اسوه تبدیل می‌کند؟ یا: از زندگی پرمعنای این اسوه‌ها چه چیزی می‌توانند بیاموزند؟ ۲. قدردانی از تخصص فراگیرندگان و دعوت از آن‌ها برای به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه خود با اعضای کلاس. ۳. تشویق دانش‌آموزان به اختراع و به وجود آوردن چیزی جدید (inclusive.tki.org).



نوجوانان در پیچ و
خم‌های بحران

نتیجه‌گیری

رشد هویت در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه عوامل گوناگونی بر رشد هویت تأثیرگذارند. در این نوشته، آگاه‌سازی و آموزش والدین، بهبود ارتباطات، اطلاع‌رسانی به نوجوانان، آموزش مهارت‌ها، افزایش خودکارآمدی و عزت‌نفس، غنی‌سازی و تجهیز مدارس، آموزش نیروی کار در مدارس، مشارکت نهادها، اهمیت هویت ملی و قومی در برنامه‌ها، غنی‌سازی محیط کلاس درس به عنوان عوامل مؤثر معرفی شدند. همچنین انواع هویت و جنبه‌های آن را بیان کردیم. امید است دست‌اندرکاران تربیت با به کارگیری این راهکارها گام مؤثری برای رشد هویت نوجوانان بردارند.

منابع

1. Abbasi, N. (2016). Adolescent identity formation and the school environment. *In The Translational Design of Schools* (pp. 81-103). Brill Sense.
2. Fearon, J. D. (1999). What is identity (as we now use the word). *Unpublished manuscript, Stanford University, Stanford, Calif.*
3. Ofole, N. M. (2017). Adolescents sense of identity and its implications for developmental appropriate Interventions for building A safer World Through Education. *Building a safer World through Education*, 497-521.
4. <https://pdx.pressbooks.pub/humandevlopment/chapter/identity/>
5. SAADATMEHR, R., & Karimian, A., & Babaei, E., & BAKHSHIAN, F. (2019). The Ways to Strengthen the Factors Affecting Identity in High School Students. *INTERNATIONAL JOURNAL OF SCHOOL HEALTH*, 6(4), 21-26.
6. inclusive.tki.org.nz/guides/behaviour-and-learning/strengthen-student-identity.

تخته سفید دیجیتال برای اجرای بارش فکری



مصطفی سهرابلو

دبیر دوره متوسطه اول شهرستان بیجار

اشاره

بیشتر وقت‌ها نیاز است با هم‌فکری و به اشتراک گذاشتن نظرات مختلف حول یک یا چند موضوع علمی، به نتایج منطقی و مؤثری دست یابیم که در رفع مشکل و حل مسئله‌ها به ما کمک کنند. به این فرایند «بارش فکری» می‌گویند که در پی حل مسئله‌ها، به پیدایش برخی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های اساسی منجر می‌شود.

در ادامه برنامه (پلتفرم) «دات استورمینگ» معرفی می‌شود که با ایجاد فضای جذاب، امکان انجام بارش‌های فکری متفاوت را بین معلمان و یا بین معلم و دانش‌آموزان و ... فراهم می‌کند: <https://dotstorming.com>

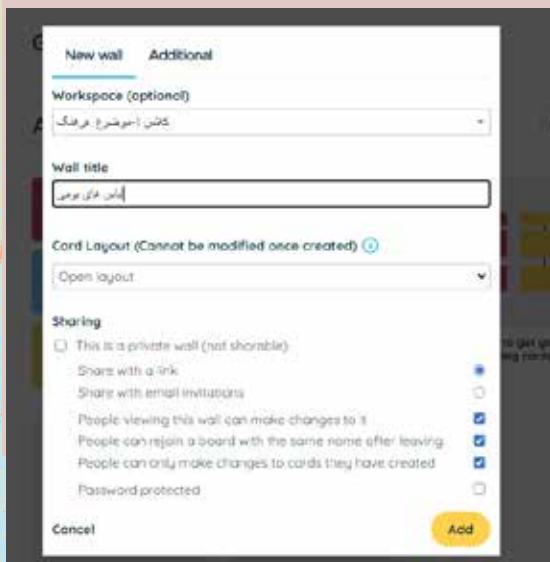
این وبگاه که مانند تخته سفید (وایت‌برد) است، اجازه می‌دهد یادداشت‌های دیجیتالی توسط معلم یا دانش‌آموزان ارسال شوند و سپس به آن رأی داده شود و درواقع اشتراک افکار انجام پذیرد. این ابزار برای ایجاد بحث در کلاس و بارش فکری در مورد موضوع‌ها و سؤال‌ها بهترین ابزار است و می‌تواند معلم و دانش‌آموزان یا گروه معلمان را درگیر چالش‌های موضوع کند (تصویر ۱).



برنامه دات استورمینگ مجموعه‌ای از ابزارهایی است که بارش فکری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشترک را بین گروه‌های معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و ... امکان‌پذیر می‌کند. این برنامه در واقع سه بخش اصلی دارد:

۱. دیوارها

دیوارها تخته‌سفیدهایی هستند که امکان ثبت، سازمان‌دهی و اولویت‌بندی ایده‌ها را از طریق چسب‌های مجازی فراهم می‌کنند (تصویر ۲).





۲. تخته رأی‌گیری^۱

وسیله‌ای سریع و ساده برای اولویت‌بندی فهرستی از گزینه‌هاست که حس مشارکت ایجاد می‌کند و به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد فرایند تصمیم‌گیری را در عمل ببینند (تصویرهای ۳ و ۴).



آموزش تخته سفید دیجیتالی

۳. تکه‌چسبان‌ها^۲

تکه‌چسبان‌ها گروهی از شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازند روی بوم‌های یکسان یا فردی در زمان واقعی با هم طراحی کنند. این مزیت بزرگی است و در آن نترات مشارکت‌کننده و فعالیت آن‌ها نمایش داده می‌شوند. همچنین، می‌توان با ایجاد گروه‌های کاری و ثبت مشخصات، تصویرها و متن‌هایی را اضافه کرد که ارتباطات آن‌ها توسط اعضا به آسانی ایجاد و تغییر داده می‌شوند (تصویر ۵).



تصویر ۵

New voting board Card options Additional

Workspace (optional)

Voting board title
paradosh12@gmail.com

Description (optional)

Board Options

Voting style Dot-voting

Number of votes per person 5

Sharing the board

Share with a link ☒

Share with email invitations ☐

Password protected ☐

Cancel Create

تصویر ۳



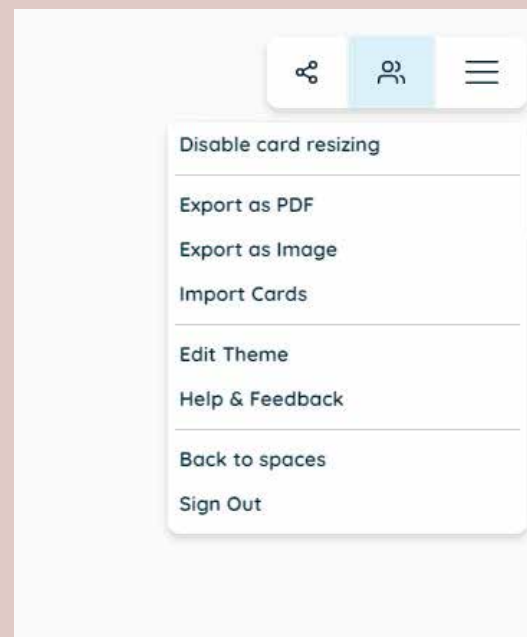
تصویر ۴

به آسانی می‌توان پیوند (لینک) گروه‌های بارش فکری ایجادشده را برای دیگران فرستاد تا به راحتی از طریق مرورگر خود وارد شوند و مشارکت کنند (تصویر ۶).



تصویر ۶

حتی می‌توان نتیجه فعالیت‌ها را به صورت پرونده (فایل) ذخیره کرد و بعد مجدداً وارد صفحه کاری کرد یا جای دیگری از آن بهره گرفت (تصویر ۷).



تصویر ۷

وبگاه مذکور، با ارائه فضای جذاب رایگان و امکانات جالبی چون دیوار مطالب، ایجاد گروه‌های کاری و امکان رأی‌گیری، فرصت مناسبی را برای بررسی و مطالعه موضوع‌های متفاوت به روش بارش فکری و به صورت تعاملی بین گروه‌های معلمان و دانش‌آموزان و حتی والدین فراهم می‌کند.

بی‌نوشت

1. new voting board



بهروز نوروزی
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

مقدمه

جوئل شارون (۱۹۳۹-۲۰۱۸)، نویسنده کتاب «ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی» است. وی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ایالتی «مورهد» در مینسوتای آمریکا بوده است. این کتاب در سال ۱۹۹۸ توسط وی منتشر شد و در چاپ سوم مورد تجدیدنظر قرار گرفت و یک پی‌گفتار به آن افزوده شد. **منوچهر صبوری**، استاد «دانشگاه تهران»، چاپ سوم این کتاب را در ۳۶۸ صفحه در سال ۱۳۷۹ ترجمه کرد و «تشر نی» آن را به چاپ رساند. این کتاب به دلیل استقبال مخاطبان تا به حال به چاپ بیستم رسیده است.

هدف شارون از انتشار این کتاب ارائه شیوه اندیشیدن است. او می‌نویسد: «... ده پرسش کتابی درباره پاسخ‌ها نیست، بلکه بیشتر کتابی درباره اندیشیدن است ...» (مقدمه، بند سوم). به‌نظر نویسنده، این ده پرسش مهم‌ترین پرسش‌هایی هستند که تا به حال مطرح شده‌اند. «ده پرسشی که در این کتاب مطرح کرده‌ام، مهم‌ترین پرسش‌هایی هستند که جامعه‌شناسان بررسی می‌کنند» (مقدمه، بند اول، ص ۲۰).

بنابراین این کتاب از نظر مؤلف، مهم‌ترین پرسش‌های جامعه‌شناسان را با رویکرد جامعه‌شناسی به‌منظور شناساندن شیوه تفکر جامعه‌شناسی ارائه کرده است. جامعه هدف کتاب «همه قشرها را شامل می‌شود» (پیش‌گفتار، بند دوم). به عبارت دیگر، «کتاب برای دانشجویان، جامعه‌شناسان، منتقدان جامعه‌شناسی، معلمان، روان‌شناسان، هنرمندان، شاعران، محققان و ... به قول شارون «برای همه مردمی که به آموزش ارج می‌نهند» (پیش‌گفتار، بند دوم) نوشته شده است. کتاب شامل پیش‌گفتار مترجم، پیش‌گفتار نویسنده، مقدمه، ده فصل و یک پی‌گفتار است. موضوع هر فصل کتاب یکی از ده پرسشی است که مطرح شده‌اند. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. جامعه‌شناسان چگونه جامعه را مطالعه می‌کنند؟
۲. معنای انسان‌بودن چیست؟
۳. جامعه چگونه به‌وجود می‌آید؟
۴. چرا مردم در جامعه نابرابرند؟
۵. چرا به آنچه می‌کنیم اعتقاد داریم؟
۶. آیا انسان‌ها آزادند؟
۷. چرا همه نمی‌توانند مانند ما باشند؟
۸. چرا تیره‌بختی در جهان وجود دارد؟
۹. آیا فرد به‌راستی دگرگونی ایجاد می‌کند؟
۱۰. آیا جامعه‌شناسی مهم است؟

و عنوان پی‌گفتار کتاب نیز این پرسش است که: «آیا باید درباره افراد به تعمیم بپردازیم؟»

از نظر شارون، روش جامعه‌شناسی علمی است و روش تجربی نقطه مشترک جامعه‌شناسی با سایر علوم است. جامعه‌شناسی به مطالعه عینی زندگی افراد و جامعه به‌گونه‌ای دقیق و نظام‌یافته می‌پردازد و با شیوه انتقادی، مشوق نوع تفکری است که برای مردمی که در جامعه‌ای «مردم‌سالار» (دموکراتیک) زندگی می‌کنند و برای چنین جامعه‌ای می‌کوشند، ضروری است. روش جامعه‌شناسی، ضمن توجه به تعمیم‌های علمی، به افراد کمک می‌کند تا از تفکر قالبی و تعصب‌آمیز اجتناب کنند. نویسنده ماهیت انسان را اجتماعی و فرهنگی می‌داند و عقیده دارد: گوهره انسانی- که شامل استفاده از نمادها، اندیشیدن و

رشد هویت فرد است- با کنش متقابل اجتماعی افراد در جامعه شکل می‌گیرد. سایر پدیده‌های اجتماعی، مثل نابرابری، ماه‌های متفاوت، اعتقاد به عمل خود، تبهکاری و حتی آزادی، درون الگوها، ساختارها و فرهنگ جامعه به وجود می‌آیند. از نظر نویسنده، هر چند اندیشه و عمل فرد تابع زمینه و کنترل‌های اجتماعی است، اما افراد با کاربرد زبان و توانایی اندیشیدن دست به انتخاب می‌زنند و تا حدی زیادی آزادی دارند. جامعه‌ها و سازمان‌ها همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند. افرادی که قدرت اجتماعی دارند، اگر در راستای روندهای اجتماعی و با زمینه‌های اجتماعی مناسب مبارزه کنند، امکان دگرگونی جامعه را دارند.

نویسنده آزادی را مهم می‌داند، ولی برای ایجاد نظم، قانون را مقدم بر آزادی می‌پندارد و آزادی را مشروط به رعایت حقوق دیگران و مصالح اجتماعی می‌کند. او همواره احتیاط علمی را رعایت می‌کند و بیشترین استفاده را از کلمه‌هایی مثل «تقریباً»، «ممکن» و «احتمال» کرده است. به لحاظ نظری، مباحث کتاب مسائل مهم جامعه‌های انسانی را با رویکردها و روش‌های جامعه‌شناسی ارائه کرده‌اند. به لحاظ عملی، مباحث کتاب هم از مسائل مهم جامعه‌ها به شمار می‌روند و هم رویکردها و روش‌های آن مورد استفاده جامعه‌های علمی هستند. بنابراین مطالعه این اثر سبب افزایش اندوخته‌های علمی افراد خواهد شد.

ارزیابی کتاب

کتاب «ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی» که با هدف اندیشه‌ورزی و روشمندکردن مخاطبان نوشته شده است، مثل همه کتاب‌ها نقاط قوت و ضعفی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. نقاط قوت

✓ اعتبار و بی‌طرفی علمی

● نویسنده با استفاده از رویکردهای جامعه‌شناسی، منابع معتبر و نظرات دانشمندان بزرگ، صحت و اعتبار علمی کتاب را سبب شده است. وی می‌نویسد: «آنچه من در اینجا می‌نویسم کمتر اندیشه خود من است، زیرا تا اندازه زیادی از اندیشه کسانی چون مارکس، وبر، دورکهایم، مید و برگر تأثیر پذیرفته است» (مقدمه، بند آخر).

● با وجود داشتن همه عواطف انسانی در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی، نویسنده بر دقت علمی تأکید کرده است. «تأثیر قدرت جامعه‌شناسی بر شیوه تفکر من گریزناپذیر است. من تقریباً مانند هر کس دیگری، از جنایات خشونت‌آمیز نفرت دارم ... هرگاه درباره جنایت وحشتناک مطلبی می‌خوانم یا می‌شنوم، نخستین واکنش من این است: چه رخداد



وحشتناکی! ... و می‌کوشم همه شیوه‌های گوناگون تأثیر جامعه بر انسان‌ها را دریابم» (مقدمه، بند اول، ص ۲۱).

● توجه نویسنده به مسائل جنسیتی ناشی از بی‌طرفی علمی است. از نظر وی، در ستیزه اجتماعی برای تصاحب امتیازات، زنان به حاشیه رانده می‌شوند و مردان هستند که در جهت بهره‌مندی بیشتر، نظم جدیدی را رقم می‌زنند (بند آخر، ص ۱۱۰). این ستیزه که نهایت آن تصاحب چیزها و مالکیت خصوصی است، شامل تصاحب زنان هم می‌شود (بند اول، ص ۱۱۱).

هماهنگی و پیوستگی مطالب

با وجود تنوع مطالب، هم کلیت کتاب و هم فصل‌های آن به‌عنوان اجزای کتاب، از انسجام، پیوستگی و ارتباط منطقی برخوردار هستند. نویسنده ابتدا علم و شیوه جامعه‌شناسی را روشن کرده و سپس به تشریح انسان و جامعه پرداخته است. با شکل‌گیری جامعه، الگوهای اجتماعی و فرهنگ، رفتارهای انسان‌ها را جهت می‌دهند. نهادها و فرهنگ هر جامعه موجب قوم‌مداری و احیاناً تفکر قالبی در آن جامعه می‌شوند. با اتخاذ روش جامعه‌شناسی و شیوه‌های مردم‌سالارانه می‌توان به درک علمی تفاوت‌ها و پدیده‌های اجتماعی دست یافت.

ایجاد توان تحلیل و فهم مسائل اجتماعی در مخاطب

● شیوه اندیشیدن و روش مطالعه پدیده‌ها در فهم درست آن‌ها تأثیر می‌گذارد. مخاطب با مطالعه این کتاب توانایی پیدا می‌کند که صاحب تفکر اجتماعی بشود و با روش جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی را مطالعه و تحلیل کند و از تفکر قالبی و قوم‌مداری بپرهیزد.

● سادگی نگارش کتاب فهم آن را برای همه مخاطبان ممکن می‌سازد. ابتدا موضوع با توضیح و تعریف روشن می‌شود و سپس در چارچوب نظریه‌های مناسب بسط داده می‌شود. کتاب به‌طور عملی از مثال استفاده کرده است تا مباحث به‌صورت کاربردی روشن شوند. هم‌گزینه کلمه‌ها و هم ترکیب محتوایی مباحث موجب روانی و سادگی مطالب کتاب شده است.

۲. نقاط ضعف

✓ ابهام در ادعاها و تعریف‌ها

● نویسنده عنوان‌های فصل‌ها را مهم‌ترین پرسش‌های جامعه‌شناسی قلمداد کرده است که اندیشمندان را درگیر خود کرده‌اند ایشان می‌نویسد: «ده پرسشی که در این کتاب مطرح کرده‌ام، مهم‌ترین پرسش‌هایی هستند که جامعه‌شناسان بررسی می‌کنند» (مقدمه، بند اول، ص ۲۰). این ادعا چندان دقیق نیست، چون هر کتاب یا مقاله‌ای که نویسندگان می‌نویسند، به نظرشان حاوی موضوع‌های مهمی

است. برای مثال، نویسنده کتاب «جامعه‌شناسی نظم» تغییر و نظم را دو مسئله اصلی جامعه‌شناسی قلمداد می‌کند. او می‌نویسد: «جامعه‌شناسی اساساً حائز دو مسئله اصلی است: ... مسئله تغییر و مسئله نظم.» (چلبی، ۱۳۹۵: ۷). بنابراین، همانطور که نویسنده در سراسر کتاب با احتیاط و وسواس از عبارت‌ها استفاده کرده است، در این مورد هم باید اذعان کرد که تحت موقعیت و شرایط ناهمسان، مسائل اجتماعی مهم از نظر اندیشمندان و افراد، زیاد و متفاوت هستند.

● موضوع بعدی ابهام و پیچیدگی بعضی مطالب و صفحه‌هاست. نویسنده تعریف نهادهای اجتماعی را شیوه‌های برخورد مردم با وضعیت‌های مستمر و شیوه‌هایی می‌داند که به جامعه امکان انجام کارکردها و مسائل اساسی‌اش را می‌دهد (ص ۸۹-۸۸). به‌علاوه، مثال‌های ارائه‌شده چندان واضح نیستند. **کوئن بروس** نهاد اجتماعی را به یک رشته قواعد منظم و پایدار و الگوهایی از نقش‌های توافق‌شده اطلاق می‌کند (بروس، ۱۳۹۸: ۱۳۰). **گیدنز** نیز نهادهای اجتماعی را وسیله پیوند زندگی اجتماعی می‌داند که ترتیبات اساسی زندگی را که انسان‌ها در کنش متقابل زندگی پیدا می‌کنند ... فراهم می‌آورند؛ مثل نهاد ازدواج (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۲۱). هرچند ممکن است تعریف دو اندیشمند اخیر هم برای خواننده معمولی واضح نباشد، اما قابل ایراد نیست، در حالی که در این کتاب قابل انتقاد است، چون جامعه هدف کتاب «همه مردم» هستند.

✓ تصور و طبقه‌بندی قالبی تعصب‌آمیز

● نویسنده در توضیح احساس وفاداری به جامعه، بین ایران و برخی کشورهای غربی تفاوت از نظر تأکید بر جنبه‌های احساسی و عقلانیت و حساس‌گری قائل می‌شود. (ص ۹۳ و ۹۴) این در حالی است که در هر جامعه‌ای رفتارهای عقلانی و

نتیجه‌گیری

کتاب «ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی» در زمره کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی است. رعایت اختصار و روانی در تنظیم مطالب کتاب و سهولت در فهم مباحث، از ویژگی‌های این کتاب است که فهم آن را برای اقشار متفاوت ممکن می‌سازد. کتاب را با توجه به محتوا و سبک نگارش آن، می‌توان به دوره سوم تألیف کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی متعلق دانست که دارای ویژگی‌هایی از این قرارند:

الف) مسئله‌محور و تلفیقی از رویکردهای جامعه‌شناسی هستند؛

ب) ضمن بحث و نظر، به نظریه‌ها و روش‌ها توجه دارند؛

ج) از شواهد و مثال‌ها برای انتقال مفاهیم و معنای مباحث استفاده می‌کنند؛

د) شیوه بیان مطالب جدی، منطقی و علمی است.

این کتاب برای اندیشیدن و آموختن شیوه درک مسائل اجتماعی مفید است و خواننده را با تفکر علمی آشنا می‌سازد. کتاب از طریق بررسی دقیق سؤال‌ها با روش‌های جامعه‌شناختی، مخاطب را برای درک و فهم مسائل اجتماعی، روشمند می‌کند. مطالعه این کتاب، ضمن مفید بودن برای علاقه‌مندان مسائل اجتماعی، برای پژوهشگران و دانش‌آموختگان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی که قصد دارند در زمینه مسائل مبتلابه اجتماعی تحقیق کنند، راهگشاست. هم درست اندیشیدن و هم روش درست فهم پدیده‌ها را به خواننده می‌آموزد و با طرح پرسش‌های ده‌گانه، به‌صورت نظری و عملی خواننده را یاری می‌کند تا علمی بیندیشد و علمی به درک پدیده‌ها بپردازد. نگارش ساده و روشن کتاب، فهم آن را برای همه مخاطبان ممکن می‌کند. مطالعه این کتاب افکار را آگاه می‌سازد، روش‌های فهم افراد را ارتقا می‌دهد و موجب توسعه جامعه می‌شود.

منابع

۱. چلی، مسعود (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم. نشر نی. تهران. چاپ پنجم.
۲. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۶). عقل و توسعه‌یافتگی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ دوم.
۳. کوئن، بروس (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. نشر توتیا. تهران. چاپ سی‌وهشتم.
۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی. تهران. چاپ بیست و چهارم.
۵. عبداللهیان، حمید و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴). «تحلیل انتقادی کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی در ایران». نشریه پژوهش و نگارش کتاب‌های دانشگاهی. شماره ۳۶.

6. <http://www.asanet.org/introtosociology/Documents/Text-book%20Lists.html>

احساسی با ترکیب و غلظت متفاوت وجود دارند و دادن حکم کلی همان تصور قالبی است که خود نویسنده به اجتناب از آن توصیه کرده است.

● نویسنده در بررسی فرایند تحول علم فقط به غرب اشاره کرده است. نفی یا مسکوت‌گذاشتن دستاوردهای دیگران در پیشرفت علم، نوعی تحریف و فاقد پیشینه‌کردن علوم است. نویسنده می‌گوید: «تأکید سقراط بر استدلال عقلانی، علم نوین را بنیاد نهاد. تردید فلسفی و این اندیشه که باید به وسیله معیار سنجش تفکر عقلانی به نتیجه‌گیری دقیق رسید، به استدلالی تبدیل شد که اساس علم را تشکیل داد» (بند اول، ص ۳۰). تاریخ کشفیات در علوم متفاوت مغایر با غرب‌محوری است.

● گاهی افراد در نوشتن یا استدلال دچار تصور قالبی و قوم‌مداری می‌شوند؛ هر چند خودشان منتقد همان تعصب و تصور باشند. نویسنده در جایی افراد را از تصور قالبی برحذر می‌دارد و می‌نویسد: «افراد فرهنگ یا دیدگاه مشترک گروه‌شان و دیدگاه وابسته به موقعیت‌هایشان را اتخاذ می‌کنند» (بند دوم، ص ۱۵۰). اما در جایی دیگر، نویسنده انتقاد از جامعه‌شناسی را بی‌اساس می‌نامد. او می‌نویسد: «... برای منتقدان جامعه‌شناسی که انتقادهایشان غالباً بی‌پایه است ...» (پیش‌گفتار، بند دوم). به‌نظر می‌رسد نویسنده خودش در توری افتاده است که به دیگران آگاهی می‌بخشد که از آن اجتناب کنند.

✓ وجود ناسازنما (پارادوکس) در مطالب

نویسنده در طرح موضوع‌ها دچار نوعی پارادوکس شده است. از یک طرف، در تبیین و تشریح پدیده‌ها، آن‌ها را به ماهیت انسان یا زندگی اجتماعی منتسب می‌کند که به‌طور ضروری باید باشند (مثل نابرابری)، و از طرف دیگر بیان می‌کند که جامعه‌شناسی مثل مردم‌سالاری (دموکراسی) است و باید آزاد و آگاهی‌بخش باشد. چنین تلفیق و ترکیبی ناسازنما این شائبه را به‌وجود می‌آورد که نویسنده در صدد توجیه وضع موجود است. برای مثال، او نابرابری را چنین توضیح می‌دهد: «چرا نابرابری وجود دارد؟ جامعه‌شناسان به ماهیت زندگی اجتماعی ما توجه می‌کنند ...» (بند آخر، ص ۱۰۲). رویکرد جامعه‌شناختی نابرابری شامل ایجاد ساختار اجتماعی در جامعه است ... نابرابری بخش اساسی زندگی است» (بند دوم، ص ۱۰۳). بنابراین، هرچند نویسنده با دقت موضوع‌ها را تبیین و تحلیل کرده است، اما در نهایت می‌توان گفت که موضوع‌هایی مثل نابرابری، دگرگونی، تبهکاری و مانند آن را تا حدی اجتناب‌ناپذیر تلقی کرده و درون مباحث همواره تضاد قابل درک است.



● داوود کهن ترابی
البرز



● روزین افشارزاده
تهران



● اعظم لاریجانی
تهران

پایه هفتم
دوره چهارم
جستارهای
فکری



فِي وَجْهِهِ انْقِبَاسُ اسْمِ
كَرِيمِ

